



فرماندهان پنج لشکر در حضور فرمانده کل قوا «بزرگ ارتشداران» کاخ مور
سال ۱۳۰۳

از راست به چپ: امیر لشکر محمد حسین آبروم، امیر لشکر خزائی، امیر لشکر محمود خان آبروم
از چپ بر است: سرلیک مر قاضی خان یزدان پناه، امیر لشکر امیر اقتدار انصاری، امیر لشکر عبدالله خان امیر طهماسبی

رویدادهای سال ۱۳۰۳

اعلامیه رئیس الوزرا

«جمهوریان» گرچه به تجربه معلوم شده که اولیای دولت هیچوقت نباید با افکار عامه ضدیت و مخالفت نمایند و نظریه همین اصل است که دولت حاضر تاکنون از جلوگیری احساسات مردم که از هر جانب ابراز میگردیده خودداری نموده است لیکن از طرف دیگر چون یگانه مرام و مسلک شخصی من از اولین روز، حفظ و حراست عظمت اسلام و استقلال ایران و رعایت کامل مصالح مملکت و ملت بوده و هست و هر کس که با این رویه مخالفت نموده او را دشمن مملکت فرض و قویاً در دفع او کوشیده و از این بیمد نیز عزم دارم همین رویه را ادامه دهم و نظر باینکه در این موقع افکار عامه متشتت و اذهان مشوب گردیده و این اضطراب افکار ممکن است نتایجی مخالف آنچه مکنون خاطر من در حفظ نظم و امنیت و استحکام اساس دولت است به بخشد و چون من و کلیه آحاد و افراد قشون از روز نخستین محافظت و سیانت ابهت اسلام را یکی از بزرگترین وظائف و نصب العین خود قرار داده همواره درصدد آن بوده ایم که اسلام روز بروز در برتری و تعالی گذاشته و احترام مقام روحانیت کاملاً رعایت و ملحوظ گردد لهذا در موقعی که برای تودیع آقایان حجج اسلام و علماء اعلام بحضرت معصومه (ع) مشرف شده بودم با معظم لهم در باب پیش آمد کنونی تبادل افکار نموده و بالاخره چنین مقتضی دانستیم که به عموم ناس توصیه نمائیم عنوان جمهوری را موقوف و در عوض تمام سعی و هم خود را مصروف سازند که موانع اصلاحات و ترقیات مملکت را از پیش برداشته در منظور مقدس تحکیم اساس دیانت و استقلال مملکت و حکومت ملی با من معاضدت و مساعدت نمایند. این است که بتمام وطن - خواهان و عاشقان آن منظور مقدس نصیحت میکنم که از تقاضای جمهوریت صرف نظر کرده و برای نیل بمقصد عالی که در آن متفق هستیم با من توحید مساعی نمایند.

رئیس الوزرا و فرمانده کل قوا - رضا

کناره گیری سردار سپه

* بر اثر اختلاف بین مجلس و رئیس دولت که ریشههایی در تهران و ایالات داشت و هر روز در برابر پیشرفت و اصلاحات شخص سردار سپه سد میشد آنقدر او را افسرده خاطر و دلشنگ ساخت که بی درنگ از مجلس بوزارت جنگ بازگشت و استعفای خود را از ریاست وزراء با دلائل آن بمجلس شورا فرستاد و پس از بخشنامه ای که برای سران لشکرها و قشون ارسال شد شبانه تهران را ترک گفت و به «رودهن» عزیمت نمود.

چند جمله از بخشنامه سردار سپه بمران سپاه

«... با وجود خدمات عمده و فداکاریهای تاریخی و قدمهای سربمی که در این مدت قلیل با استعانت شما برای احیاء مملکت و استخلاص قشون از دست اجنبیان و رهائی وطن مقدس از جنگال یاغیان و گردنکشان بعمل آورده و در مقابل زحمات و مجاهدات طاقت فرسایی که در راه عظمت استقلال ایران مصروف داشته ام متأسفانه بعضی قدردانی و تشویق جمعی از مفسدین بی علاقه به این آب و خاک که خدمت به اجنبیان و وطن فروشی و دسیسه کاری را یگانه مرام و مسلک خود قرار داده اند باندازه ای وضعیت را خراب و وسائل خستگی دماغ و دلسردی مرا فراهم ساخته اند که تصمیم گرفته ام عاجلاً کناره جوئی نمایم...»

داستان فراری ها...

* همان شبی که سردار سپه به «رودهن» رفت بسیاری از متجاسران و سرکشان را که در دژ پان تهران تحت نظر بودند فراری دادند تا دوباره بصفحات ملوک الطوائفی خود بروند و ناامنی را از نو آغاز کنند، از آن جمله «سردار رشید کردستانی» بود که بطرف مرز غربی فرار کرد و مجدداً قوایی از یاغیان گرد آورد و بشرارت مشغول شد و به «روانسر» حمله نمود ولی در مدتی کوتاه باز هم سرکوب گشت و به «بین النهرین» یعنی «خاک عراق» گریخت.



مجلس شورای ملی از خدمات سردار پهلوی اظهار قدردانی کرد - سال ۱۳۰۳

از راست به چپ: حضرت اشرف سردار سپه رئیس الوزرا، مؤمن الملک پیرو نیا رئیس مجلس شورا، عدل الملک دادگروزر کشور، دکتر شیخ «احیاء السلطنه» شهردار تهران - شیخ عبدالرحمن نماینده خرم آباد لرستان، مستشار الدوله صادق، امیر مجاهد بختیاری - صولت السلطنه هزاره

کابینه دوم

سردار سپه

احساسات عمومی

بر اثر کناره گیری سردار سپه موجی از خشم سراسر مملکت را گرفت و جوانان روشنفکران آن روز و نیز مردانی که تشنه پیشرفت بودند بر آشفته شدن و افکار عمومی بمعنای واقعی دوباره نشان داد که اکثریت با کیست؟ اینجا بود که حقیقت در غیاب او آشکار گشت زیرا او کناره گیری کرده بود ولی باقیام مردم ایران يك بار دیگر ضرورت کودتا در سراسر ایران آشکار گشت و ثابت گردانید که کودتای ۱۲۹۹ يك ضرورت تاریخی زمان و خواست واقعی ملت ایران بوده است.

کابینه‌ی دوم سردار سپه

* از این رو فردای آنروز جمعی از رجال مملکت و از همه طبقات ملت و دولت حتی از دستگاه سلطنت به «رود هن» رفتند و انصراف سردار سپه را از کناره گیری خواستار شدند و با اصرار و تمنای بسیار او را به تهران بازگردانیدند و به مجلس شورای ملی بردند و در يك جلسه علنی با حضور یکصد نفر از عده حاضر در مجلس نود و سه رأی موافق بدولت او دادند و دوره دوم ریاست او را تبریک گفتند و سردار ایران را دوباره بادامه‌ی کار خود و ادار ساختند.

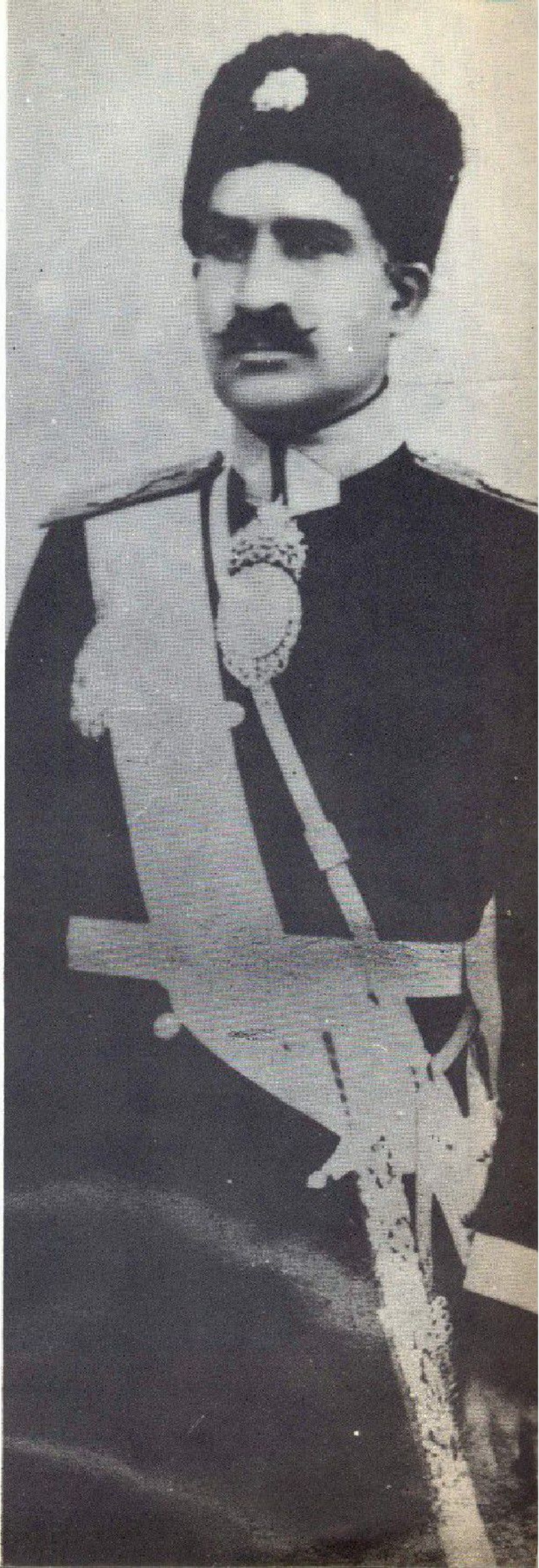
نشان ذوالفقار

* در نیمه‌ی دوم اردیبهشت ماه امرای لشکرها و فرماندهان تیپها و هنگها و سران قشون بتهران احضار شدند که گزارش حوزه‌های خود را حضوراً در يك کنفره با اطلاع رئیس الوزراء و فرمانده کل قوا بپرساوند و ضمناً از تشکیلات جدید اسلحه سازی و «قورخانه» و هواپیمائی بازدید نمایند، در این بازدید روز هیجدهم اردیبهشت نشان ذوالفقار که امروز هم بزرگترین نشان جنگی دولت ایران است از طرف سران قشون به سردار سپه داده شد و طی نطق هائی که صورت گرفت خدمات فرمانده بزرگ خود را ستایش

تمثال علی علیه السلام

* در خرداد ماه سال ۱۳۰۳ علمای نجف بیاس قدردانی از اقدامات سردار سپه يك قطعه تمثال علی علیه السلام را با تشریفات خاص به همراه چند تن از علما به تهران فرستادند و جشنهای با شکوهی به مناسبت برپا داشتند.

* مصادف با همین اوقات مطبوعات دنیا از تحول ایران و اقدامات سردار سپه مقالاتی نوشتند و احساسات ملی ایرانیان خارج از کشور آنقدر برانگیخته شد که عده‌ای از رزق‌تشیان مقیم هندوستان برای آوردن سرمایه‌های خود بوطن دیرین با ایران مراجعت کردند.





رئیس مدارس کل نظام گزارش سال تحصیلی را عرض می‌رساند

سازمان هواپیمائی ایران

* در ابتدای اردیبهشت این سال مقادیری اتوموبیل، تانک، زره پوش، توپ و لوازم آن با پنج فروند هواپیما به تهران رسید و قطعه‌ای واقع در جنوب شرقی مهر آباد تهران بنام «قلعه مرغی» برای فرودگاه نظامی اختصاص داده شد.

اگرچه از اواسط سال ۱۳۰۱ هواپیمائی تأسیس یافت و چهار تن از جوانان به همراه محصلین بروسیه رفتند که فن خلبانی را بیاموزند ولی سازمان هواپیمائی از ابتدای همین سال آغاز بکار کرد.

* ضمناً چند فروند کشتی نیز خریداری شده بود که همین هنگام در ساحل دریای مازندران و خلیج فارس پهلو گرفت و اولین کشتی آن در خلیج فارس بنام «پهلوی» نامیده شد.

نامهای نو

اسامی لشکرها و تیپها و هنگها که در آن روز هر هنگ «فوج» گفته میشد هر يك بنامهای متناسب اعلام گردید که برای نمونه بعضی از آن اسامی یاد میشود:

تیپ سلحشور، فوج کیانی، فوج پهلوی، فوج آهن، فوج خسروی، فوج نادری، فوج بهادر، فوج توپخانه، فوج رزمجو، فوج پولادین، فوج روئین تن، فوج ظفر، فوج آذر، فوج رضا پور، سوار نظام صفشکن، سواران پهلوی.

لشکرها هر يك مرکب از چند تیپ پیاده و سوار و هر تیپ مرکب از چند هنگ با آتشبارهای سنگین و سبک و گروه مهندس تشکیل یافته بود که پیوسته روبه تکامل میرفت.

حادثه سقاخانه و حکومت نظامی

* از آنجا که مخالفان از هر پیش آمدی برای عقب ماندگی و بقای اوضاع سابق بهره برداری میکردند و با خود حادثه میآفریدند، رئیس الوزراء و فرمانده کل قوا پس از واقعه سقاخانه و قتل «مازورایمبری» کنسول آمریکا در تهران ناچار برای پیشگیری حوادث مشابه آن و اقدامات پنهانی که مخالفان میکردند دستور برقراری حکومت نظامی را در تهران داد و با تدبیری خاص کوشید که این پیش آمد لطمه‌ای به موقعیت سیاسی ایران در انظار جهانیان وارد نیارد. *

جنگی واقعه!

در شهرهایی که امروز لوله کشی آب وجود دارد، در هر گزندی شیر آب برای مصرف عموم نصب شده ولی در قدیم که آب آشامیدنی همه جادر دسترس عموم نبوده ناچار بایان خیر در بعضی اماکن و گذرگاههای عمومی آب انبارهای بزرگ میساختند و گاه در طاق نمای کوچکی مخزنی از آب میگذاشتند و در کنار شیر آن هم ظرفی مینهادند که نام آن سقاخانه بوده و از نظر آنکه مردم، آن محل را تمیز نگاهداری کنند یا شیر و ظرف آن را قربایند بآن جنبه‌ای اماکن متبرکه میدادند تا از گزند محفوظ بماند چنانکه در شهرهای قدیمی اروپا هم از این امکان متروک هنوز فراوانند، شبها در سقاخانه‌ها شمع روشن مینمودند و گاه مردم ساده نذر میکردند و نیازی میخواستند که اگر برآورده بشود یک شمع در سقاخانه روشن کنند.

در نیمه تیرماه ۱۳۰۳ شهرت یافت که سقاخانه حاج شیخ‌های در تهران معجزه کرده و شروع به چراغانی کردن نمود و نمایش را ادامه دادند و مردم برای دیدن سقاخانه هجوم میآوردند تا در بیست و هفتم تیرماه «مازورایمبری» کنسول آمریکا در تهران با اتفاق يك آمریکائی دیگر برای عکسبرداری طرف سقاخانه میروند و چند تن از میان جمعیت میگویند «کافر نباید بآن مکان مظهر نزدیک بشود!» و کار بزد و خورد میکند و با وجود دخالت پلیس جراحات وارده به مازورایمبری بقدری بوده که در بیمارستان در می‌گنجد.



هنگام عزیمت از کاخ گلستان به میدان مشق

اقدامات در کابینه دوم

* از هنگامی که اوضاع آرام گرفت و تحریکات و دسائس مخالفان با تدبیر سردار سپه کاهش یافت اصلاحات افزایش گرفت و مؤسسات تازه‌ای بوجود آمد.

* وزارت پست و تلگراف را با تجهیزات جدید رونق دادند.

* اداره طرق و شوارع، اداره فلاح و تجارت و صناعت را در وزارت فوائد عامه تأسیس کردند و راه سازی را با سرعت آغاز نمودند.

* شیر و خورشید سرخ را که در سال ۱۳۰۲ طرح آن ریخته شده بود تحت ریاست شخص رئیس الوزراء تأسیس نمودند.

* لوح ذوالفقار را برای ثبت نام شهیدان جنگ و ادای احترام ساختند.

* معاهده تجارتي ایران و روسیه را بتصویب رسانیده و بموقع اجرا گذاردند و باب بازرگانی در کشور را گشودند.

* وزارت فرهنگ را که معروف بوزارت معارف بود از محل عمارت مدرسه دارالفنون به محل امروز آن که وزارت آموزش و پرورش است منتقل ساختند و آن خانه را که روزگاری متعلق به «ظل السلطان» بود به معارف ایران اعطا کردند، چنانکه هنوز در مدخل آن وزارتخانه این کتیبه به چشم میخورد: «هدیه حضرت اشرف آقای سردار سپه به معارف ایران».

* شهرداری را که معروف به «بلدیه» بود موقتاً سر و صورتی دادند.

* تشکیلات «نظمیه» یعنی شهربانی و «کمیسریا» را که امروز کلانتری است بوجود آوردند و مأموران خارجی را بکلی از قشون و نظمیه و امنیه اخراج کردند.



لوح ذوالفقار

پایان ماجرای خوزستان

باز هم اغتشاشات

* در سال ۱۳۰۳ نیز مانند سالهای پیش باز ملوک الطوائفها و خانها و گردنکشیها از گوشه و کنار سر بلند کردند و نغمه های تازه سردادند که بدستور رئیس الوزراء و فرمانده کل قوا نیروهای مجدد بهر طرف اعزام شد، ترکمنها سخت سرکوب شدند، لرها که از همه بیشتر ایجاد ناامنی کرده بودند متنبه گردیدند، کردها بر جای خود نشستند، طغیان اشرار شرق خاموش شد، در فارس نیز دوباره امنیت برقرار گشت ولی مسأله خوزستان که هنوز ناتمام بود بدین شرح پایان پذیرفت.

جنگ خوزستان

* وقتی سراسر ایران امن شد و در تهران دسائس مخالفان بی نتیجه ماند و نیز رابطه خزعل با عمالش در مرکز قطع گردید، شیخ خزعل تنه ای شوم تازه ای ساز کرد و طی تلگرافی علناً تجاسر و طغیان خود را اعلام نمود و رئیس الوزراء و فرمانده کل قوا را بر آن داشت که خوزستان را هم امن سازد. از این رو در مرداد ماه سال ۱۳۰۳ به نیروهای فارس و اصفهان دستور داد که بجانب خوزستان عزیمت کنند و بموزات آن نیروهای لرستان را هم بسوی خوزستان امر به پیشروی داد و این حکم نیز بصورت بخشنامه ذیل ابلاغ شد.

«... هر قدر خواستم با نصیحت خزعل را متنبه نمایم غافل ماند لذا بکلیه ی قشون امر میدهم که تمام قوای مادی و معنوی خود را برای معدوم ساختن آخرین سدی که در مقابل نمو و ترقی قشون و بالنتیجه تعالی و عظمت مملکت عرض اندام نموده است حاضر و مهیا سازند...»

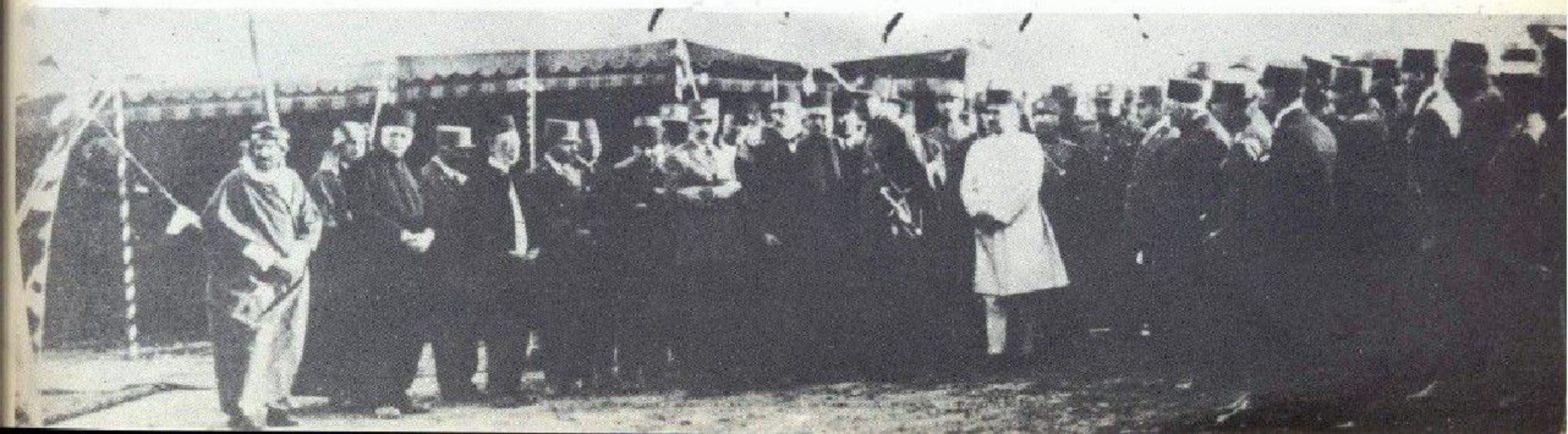
عزیمت به جنوب

* در پایان تابستان فرمانده کل قوا و رئیس الوزراء به جنوب عزیمت نمود و وارد شیراز شد. در این هنگام از ارکان حرب یعنی «ستاد ارتش» به رئیس الوزراء گزارش دادند که بر اثر ابلاغیه ای که از طرف فرمانده کل قوا بوسیله هواپیما بر سراسر خوزستان ریخته شده و نیز آگاهی



آثار رفج جنگ و خستگی سفر خوزستان در چهره سردار سپه مشاهده میشود

پس از آنکه شیخ خزعل تسلیم و روانه تهران شد همیشه در صف رجال و اعیان مملکت حضور داشت





بعد از زیارت عتبات . کر بلا سال ۱۳۰۳

در حضور حضرت اشرف سردار سپه رئیس الوزرا و فرمانده کل قوا ، از راست به چپ :
 سرهنگ ساعدالدوله خلعت بری . سرهنگ عبدالرضا خان . سرهنگ شیخ لیسکی . امیر لشکر خداپادشاهان . ابراهیم
 قوام الملک شیرازی . امیر لشکر قندی . امیر لشکر امیر اقتدار انصاری . قالم مقام رفیع.

ملگرام سردار ایران بستاند ارتش در باره خزرعل

حرکت بطرف خوزستان

تقدیم جواب مبادرت نماید اظهار تأسف و انفعال کرده سپس در ضمن
 تجدید اطاعت و انقیاد متذکر شده است که مدلول تلکراف اولیه
 او در حکم تسلیم قطعی بوده و همان است که من متذکر شده بودم
 ضمناً متضرعانه طلب تأمین و عفو و اغماض نموده است. در جواب
 باو نوشتم چون مشارالیه یکنفر ایرانی است و من با ضحلال آحاد و
 افراد ایرانی راضی و متعایل نیستم و جز اصول تمرکز مملکت که
 همیشه خاطر نشان عموم کرده ام هیچ قصد و منظوری ندارم لازم است
 بفرونت مقدم آمده حضوراً تأمین خود را درخواست و مراتب اطاعت
 و انقیاد خود را تجدید نماید .

* پس از مخا بره این تلکراف سردار پهلوی بطرف بوشهر
 حرکت نمود. و از آنجا با کشتی مظفری به بندر دیلم و سپس به زیتون
 (زیدون) وارد گردید روز ششم آذرماه خزرعل تلکرافی دیگر در
 تأیید تلکراف سابق خود مخا بره کرد و در پاسخ باو امر شد که به جبهه
 مقدم بیاید و حضوراً تأمین بخواهد. وقایع مذکور از طرف سردار
 پهلوی بارگان حرب کل بدین مضمون مخا بره گردید :

*... امروز که غره جمادی الاولی است وارد فرونت شدم طیاره ها
 که صبح برای اکتشاف پرواز کرده بودند عملیات خود را انجام
 دادند . قسمت بندی اردوی زیدون تماماً رضایت بخش میباشد
 ستون مقدم قوای اصفهان به بهبهان وارد از قوای اعزامی آذربایجان
 سه قسمت اولی وارد کرمانشاه شدند . امروز مجدداً از خزرعل
 تلکرافی رسیده که بدو بواسطه مستقیم نبودن خطوط تلکرافی
 و نبودن سیم و اینکه مجبوراً باید با کشتی بادی جواب مرا به او
 برسانند و از این تأخیر که پیش آورده و نتوانسته است فوری به

فرونت : جبهه جنگ.

☞ — «محمده» نام سابق خرمشهر است .

☞ ☞ ارگان حرب کل قشون نام سابق ستاد ارتش است.

سرا انجام ما اجرا

آخرین تلگراف خزعل

در این موقع از طرف خزعل تلگرافی رسید و دوباره درخواست نمود که محلی را معین نمایند تا حضور پیدا کنند و عین تلگراف او از لنگیر قرارگاه اردو به ارکان حرب کل در تهران بدین مضمون مخابره گردید :

«... از قرارگاه کنونی اردوی لنگیر بمضمون ذیل تلگرافی از خزعل بمن رسیده : مقام منیع حضرت اشرف اعظم آقای رئیس الوزراء و فرمانده کل قوا دامت شوکتہ ، زیارت تلگراف مبارک که مبنی بر اظهار محبت باین فدوی واقعی بود بر درجات استظهار و امید و ابریم افزود . با کمال امید واری مراحم مبدوله عرض شکر گذاری تقدیم و بقای آن وجود مبارک را برای سرپرستی ایران و ایرانیان از خداوند خواستارم فدوی را به هندیجان احضار فرموده بودند چون علت مزاج و ضعف قوه که چندی است شدت کرده مانع وصول این نعمت است معذرت فرط اشتیاق بشرفیابی حضور مبارک بانهایت آرزومندی زیارت هر صوب را امر و مقرر فرمائید بقصد زیارت حضور مبارک حرکت میکنم امیدوارم بمساعدت بخت و اقبال هر چه زودتر بشرف حضور مبارک نایل گردم و برای هدایت یکی از فدوی زادگان را بحضور مبارک میفرستم که برای تعیین شرفیابی از بندگان اشرف عالی اخذ دستورات بنماید .

فدوی خزعل»

— در هشتم آذرماه که سردار پهلوی وارد مرکز قشون اعزامی (لنگیر) گردید تلگراف ذیل از طرف او به ارکان حرب کل مخابره شد :

«... (۱) روز هشتم قوس وارد لنگیر مرکز اردو شد در ساعت ۸ بعد از ظهر مطابق راپورتی که بوسیله پستهای ارتباطیه رسید معلوم شد که ایلات مواضع خود را تخلیه کرده و رفته اند. (۲) ستونهای قسمتهای عمده قوای اصفهان متناوباً وارد بهبهان شده و میشوند .

(۳) در هفتم قوس ستون اول قوای اعزامی خرم آباد وارد به دزفول شده و سایر ستونها مرتباً وارد میشوند . راپورت . یعنی گزارش - قوس ماه دی است .

(۵) تادو روز دیگر از قرارگاه کنونی اردو وارد لنگیر و بطرف مرکز خوزستان حرکت خواهم نمود .

رضا

پس از ایجاد امنیت خوزستان در سال ۱۳۰۳ سردار پهلوی بدون تشریفات رسمی با تری از بصره به بغداد عزیمت نمودند و برای زیارت عازم کربلا شدند





با وجود آنکه سردار سپه رئیس الوزرا در بازگشت از خوزستان سخت خسته بودند استقبال عموم طبقات را با گرمی پاسخ دادند

در حضور حضرت اشرف سردار سپه از راست به چپ : شمس الافاضل «خواجه نصیری» فاضل شریعت ، معاضد السلطنه
پیرنیا ، دکتر امیر اعلم ، صولت السلطنه هزاره.

تسلیم خزعل

● در یازدهم آذرماه این سال ، سردار پهلوی به «دهملا» که مرکز سابق متجاسرین بود وارد شد .
شیخ خزعل یکی از پسرهای خود را برای استقبال به «دهملا» فرستاده بود و سپس خودش به دهملا وارد شد و بحضور سردار پهلوی رسید و اولین سخنش این شعر حکیم عمر خیام شاعر معروف بود :

من بدکنم و تو بد مکافات دهی

پس فرق میان من و تو چیست بگو «X»
● سردار پهلوی به شیخ خزعل تأمین داد و روانه تهران گردید و از آن پس خزعل در تمام تشریفات و سلام های رسمی بعنوان یکی از رجال و اعیان مملکت شرکت میجست .

امنیت خوزستان

پس از تسلیم خزعل نیروهای اعزامی بسوی رامهرمز و ناصری که دو شهر بزرگ و معروف از شهرهای خوزستان است پیش رفتند و بموازات آنها قوای مجهز شمالغرب نیز از کرمانشاه بطرف پشتکوه روی آوردند و «قلعه منصورآباد» را که پناهگاه والی پشتکوه و متجاسر معروف بود اشغال نمودند و والی مذکور که با خزعل تباہی داشت ناچار از مرز گذشت و به بین النهرین گریخت .

پایان ماجرا

* روز سیزدهم آذرماه ۱۳۰۳ سردار پهلوی وارد شهر تاریخی ناصری «خرمشهر» شد و مورد استقبال شورانگیز مردم ساحل شمال غربی خلیج فارس قرار گرفت و فتنه خوزستان پس از سالیان دراز خاتمه یافت .

عزیمت به عتبات

* پس از برقراری امنیت در خوزستان سردار پهلوی بدون تشریفات رسمی از طریق بصره به بغداد عزیمت نمود و بعد از زیارت عتبات مقدسه در کربلا و نجف بسوی ایران بازگشت .
احساساتی که ایرانیان مقیم کربلا و نجف هنگام ورود سردار پهلوی با استقبال شورانگیز خود نشان دادند بی نظیر و پر افتخار بود .

* یادآوری این واقعه بی مناسبت نیست که وقتی سردار پهلوی و همراهان وارد «حرم حضرت عباس» میشوند «سردار رشید کردستانی» که شرح طغیان او در صفحات غرب و چگونگی فرار از پس از دستگیری از دژبان تهران یاد شد ، موقع را مغتنم شمرد در حالیکه «قرآن کریم» را در دست داشت از فرمانده کل قوای ایران تقاضای عفو و تأمین نمود که بی درنگ پذیرفته شد .

«X» این بیت شعرا «مجله العرفان» چاپ «صیدا» از قول شیخ خزعل نقل نموده است که در اینجا عیناً آورده شد .

بازگشت سردار ایران و پذیرائی پرشور همگان

خطاب بافسران

* پس از ورود سردار پهلوی به تهران این اعلامیه خطاب بافسران ارتش صادر گردید :

« ... به یمن تأییدات حضرت باری تعالی ، با اراده تزلزل ناپذیری که برای عظمت و مرکزیت دولت از اولین روز مرکوز ذهن من است در این موقع که قدرت و سلطه دولت را در صفحات جنوب مستقر و بمرکز مراجعت نمودم لازم میدانم مراتب رضایت تام و خرسندی خاطر خود را از فداکاری و صمیمیت مافوق انتظاری که از طرف صاحبمنصبان و افراد قشون ابراز گردیده اظهار و پایداری و استقامت آنان را در انجام خدمات مهم دیگری که در در راه ابهت و استقلال وطن مقدس بعهده گرفته اند خواستار شوم .
طهران مورخه ۱۱ جدی ۱۳۰۳ »

وزیر جنگ و فرمانده کل قوا سردار سپه - رضا

* سردار پهلوی رئیس الوزرا و فرمانده کل قوا پس از زیارت عتبات از طریق قصر شیرین و کرمانشاه و همدان به تهران بازگشت و در همه جا مورد استقبال و حق شناسی مردم ایران قرار گرفت و بمناسبت برقراری امنیت و خاتمه فتنه خوزستان در مسیر او طاقهای نصرت آراسته شده بود .

در تهران نیز استقبال عموم طبقات مردم از سردار سپه و جراغانی و برپاداشتن طاقهای نصرت و خواندن سرودهای میهنی تا آنروز بی نظیر و اعجاب آور بود بطوریکه احساسات عمومی عملا رای فرمانروائی قطعی سردار پهلوی داد و او را رئیس واقعی مملکت ایران شناخت .

هنگام ورود سردار پهلوی به تهران پس از پیروزی سرخوزستان مدیران مطبوعات نیز تبریک ورود گفتند



بزرگداشت سوم اسفند

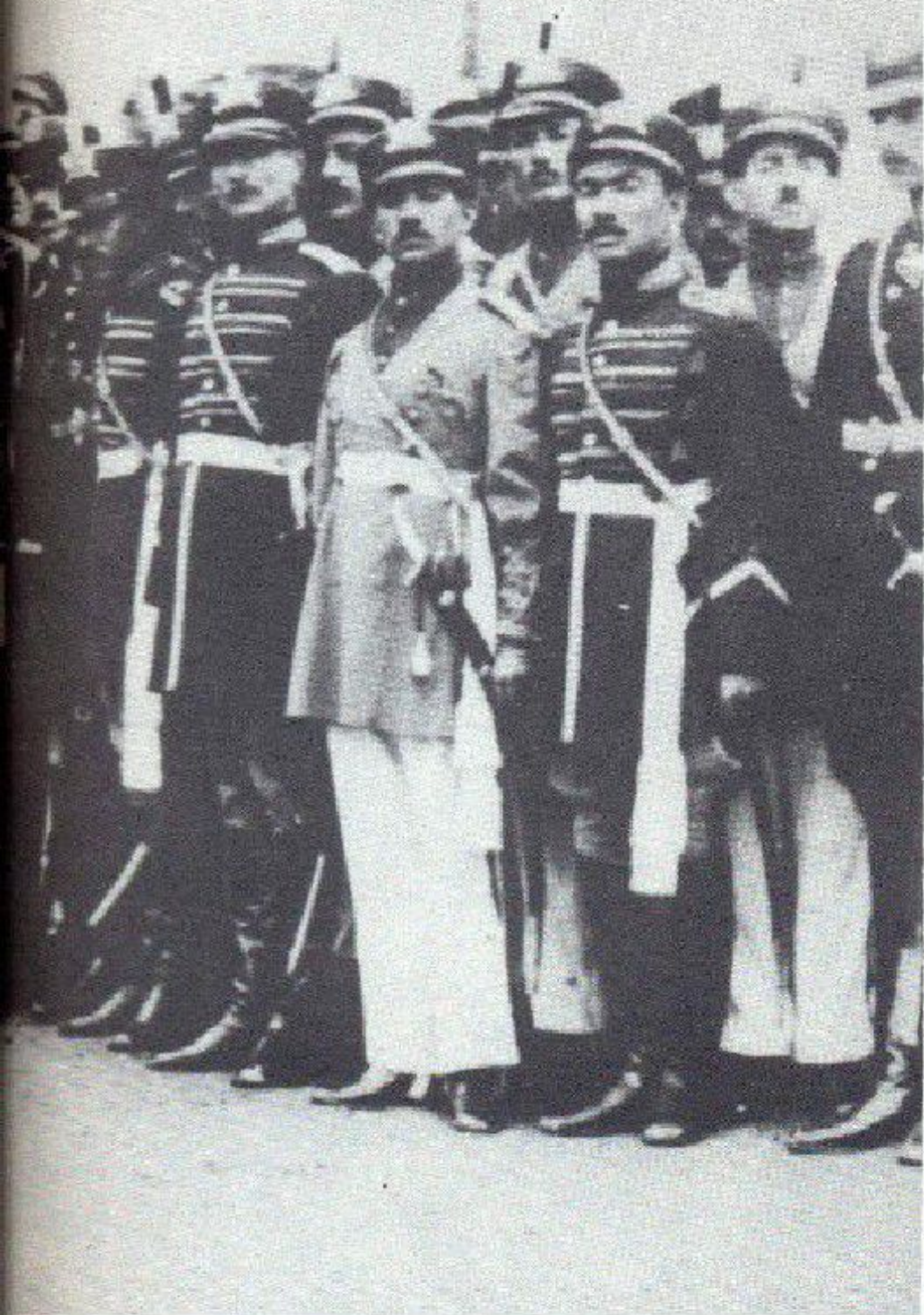
☆ برای بزرگداشت روز کودتای سال ۱۲۹۹ در این سال جشنهای با شکوهی از طرف تمام طبقات کشوری و لشکری بویژه احزاب و اصناف و تجار برپا گردید و از سردار بزرگ ملی ایران تجلیل شد و در جشن سران قشون که در مدارس نظام برپا گردید و اکثریت طبقات مردم در آن حضور داشتند نشان سپه بسینه سردار ایران آویخته شد و در پایان سردار پهلوی نطق زیر را ایراد نمود.

نطق سردار پهلوی در جشن سوم اسفند

«من نظر به عادت نظامی خود هرگز مایل نیستم خدماتی را که بر حسب وظیفه مقدسه سربازی انجام میدهم هر قدر مهم و بحال مملکت مفید باشد بزیان آورده و برخلاف عادت جاریه آنها را در انتظار جلوه گرسازم چه اختیار نمودن همین لباس سربازی بالطبع ما را به انجام خدمات و فداکاری‌هایی وظیفه دارمیکند که اگر کاملاً از عهده بر آئیم غیر از اجرای تکلیف کاری نکرده ایم و بر روی همین عقیده بود که در این مدت با وجود پیشنهادات و اصرار همقطاران نظامی تا این تاریخ که سال چهارم زندگانی قشون جوان است از تشکیل مجلس جشن بیادگار سوم حوت خودداری مینمودم و همیشه در نظر داشتم که فعلاً بدون هیچگونه خودنمایی با همان روش ساده سربازی مشغول تکمیل خدمات بوده و کاری بکنیم که این قبیل جشنها را بعد از ما بنام قدردانی و بیادگار سابق برپا نمایند.

بالجمعه سوم حوت که امشب بیاس احترام آن در اینجا جمع شده ایم در واقع مبداء تاریخ حیات جدید قشون فعلی میباشد استخلاص قشون از دست خارجیان و استقلال بخشیدن بآن که به منزله روح مملکت است عبارت از فلسفه نهضت سوم حوت ۱۲۹۹ و آمال دیرینه ما میباشد که فقط با توکل بخدا و اعتماد بنفس در آن دل شب با عده قلیلی قزاق بمرکز وارد و این تصمیم قطعی را بموقع اجرا گذاشتیم. پس از نیل باین مقصود بلا درنگ با صلاح داخله خود پرداختیم یعنی پایه‌های کج و پی استحکامی را که برخلاف مصالح کشور برپا شده بود یکسره برانداخته و بر روی خرابه‌های آن شالوده محکمی را ریخته و شروع به پیشرفتهائی نمودیم که شرح آن را لازم به ذکر نمیدانم ولی همین قدر گوشزد میکنم با وجود تمام زحمات و فداکاری‌هایی که تا بحال تحمل نموده ایم مملکت خدمات بزرگتری را از فرد فرد ما انتظار دارد که مهمترین آنها تقویت و استحکام این بنائی است که جدیداً برپا نموده ایم.

بعقیده من اولین شرط ایفای این وظیفه مهم آن است که مشی ساده و بی آرایش سربازی خود را از دست نداده و از هر گونه زوائد و تجملات زندگانی که موجب اشتغال خیال و انحراف از راه ترقی و تعالی است قویاً دوری و اجتناب ورزیم بالاخره در هر رتبه و مقام که باشیم باید این نکته مهم را همیشه پیش خود متذکر شویم همان طوری که تاریخ گذشتگان موجب عبرت و تنبیه ما است دفتر



روزگار صفحات جدیدی را هم بنام ما تخصیص داده که بنظر من عملیات این مدت پیش از چند سطر آن را تشکیل نداده و هنوز صفحات دیگر آن باز و سفید مانده و منتظر ثبت اعمال آتی ما است. پس باید تمام مساعی و جهد خود را در راه تکمیل نواقص و تقویت و توسعه این مؤسسه جوان مصروف داریم که مبادا حوادث روزگار آن را دچار بحران و تزلزل سازد.

ما باید تا آخرین نفس در حفظ عظمت و ابهت این مؤسسه کوشیده و آن را بطوری که قابل نمو و تکامل باشد بدست اخلاف بسپاریم.

ما باید در تحمل شدائد و سختی‌هایی که لازمه سپاهیکری است همیشه سرمشق دیگران واقع شده و از روی همین نظریه این بارسنگینی را که مردانه بدوش گرفته ایم بسر منزل سعادت و نیک بختی برسانیم.



مراسم سلام عید غدیر در حضور سردار سپه ریاست عالی کل قوا و رئیس الوزرا برگزار شد دمحوطه فوج پهلوی در میدان مشق

الغاء القاب

* در این سال طی لایحه‌ای رسماً القاب و عناوین زیاد لغو شد و مقرر گردید که هر کس باید دارای يك نام كوچك و يك نام قاعیل باشد و از اسماء و عناوین زیاد دیگر خودداری کند.

نظام وظیفه

* از اقدامات اصلاحی مهمی که در این سال عملاً صورت پذیرفت و قبلاً بدان اشاره شد مساله نظام وظیفه بود که بدو بعنوان « نظام اجباری » نامیده شد ولی از آنجا که خدمت سپاهی، وظیفه‌ای مقدس بشمار میرود و با استقبال عمومی مواجه گشت این خدمت را « نظام وظیفه » نام دادند.

اتحاد در ارتش

... با تمام قوا با اصلاحات داخلی ایران پرداخت. اولین تصمیم او که از دیرباز مورد علاقه و آرزوی او بود این بود که قسمت‌های پراکنده و از هم گسیخته ایران را بار دیگر بصورت واحد کاملی درآورد و برای انجام این منظور به ارتش نیرومندی احتیاج داشت. از همان روز که وزارت جنگ و فرماندهی کل قوا بوی محول گردید شروع کرد که بریکاد قزاق ایران و پلیس جنوب و ژاندارمری و سایر عناصر ارتش را با یکدیگر پیوسته و ارتش واحدی از مجموع نیروهای ایران تشکیل دهد.

رویدادهای سال ۱۳۰۴

نام پهلوی

* از همان هنگام که طرح لایحه لنوا لقب به مجلس داده شد رئیس الوزراء و فرمانده کل قوا بنابر امریه ای القاب در قشون و «ارتش» لغو کرد و درباره لقب خود طی اعلامیه ای به عموم گوشزد نمود که خود از لقب «سردار سپه» صرف نظر نموده و از این پس او را بنام فامیلی خود «پهلوی» بخوانند.

مقام «ریاست عالی کل قوا»

* در پایان سال ۱۳۰۳ که امنیت از هر جهت فراهم و کار خوزستان هم خاتمه یافته بود کم و بیش مخالفان فرو نشستند و معنای قدرت و پشتیبانی ملت را درک کردند تا آنجا که مجلس شورای ملی طی جلسه ای از خدمات سردار پهلوی اظهار قدردانی و ستایش نمود و برای همیشه بنام تجلیل از رئیس الوزراء خود با تصویب طرحی مقام «ریاست عالی کل قوا» مملکتی را بایشان اختصاص دادند.

بیانات رئیس الوزراء پهلوی در مجلس شورای ملی

* همان هنگام سردار پهلوی برای پاسخگویی با احترامات و تجلیل مجلس شورای ملی پشت تریبون قرار گرفت و بیاناتی باین شرح ایراد نمود:

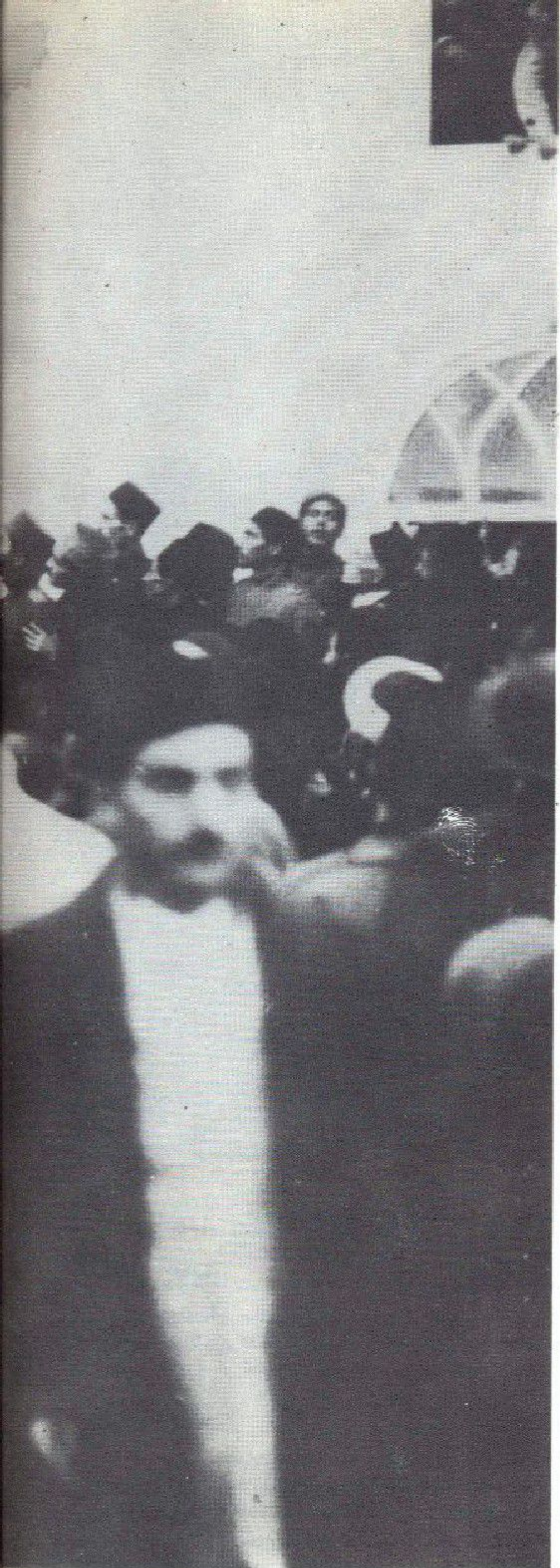
«در نتیجه حسن ظن و احساسات صمیمانه ای که از طرف عموم آقایان نمایندگان محترم نسبت به من مبذول شده بود تشکرات خود را تقدیم میدارم و چون تصور میکنم که دیگر برای پیشرفت امر و بذل مساعی مانع و رادعی موجود نباشد موقع را منتهم شمرده خاطر آقایان نمایندگان محترم را مستحضر میسازم که نيات و مقاصد از بدو امر در تمام دوره زمامداری خود همیشه متوجه اصلاح قضایای مملکتی بوده و هیچوقت راضی نشده ام که نظریات شخصی را ضمیمه مصالح عموم نمایم.

زائد میدانم از اینکه در این موقع وارد گزارشات و جزئیات امر بشوم زیرا نتایج عملیات من هر چه بود و هر چه شده همراه آقایان نمایندگان محترم و عامه اهالی مسبوق میباشد.

عجالتاً سرور از این اظهار هستم که با مراجعه به سیر تکمیلی و تدریجی و در پایان صدقات و خرابیهای سابق بالاخره مملکت دوره اول ترقی خود را که عبارت از تهیه امنیت و آسایش و حفظ حدود و جوانب بود طی کرد. اکنون موقع آن رسیده است که وارد مرحله ثانوی شده آنچه را که مربوط با اساس اقتصادیات و بسط راهها و نشر معارف و ترویج مکارم اخلاقی است تعقیب نمایم.

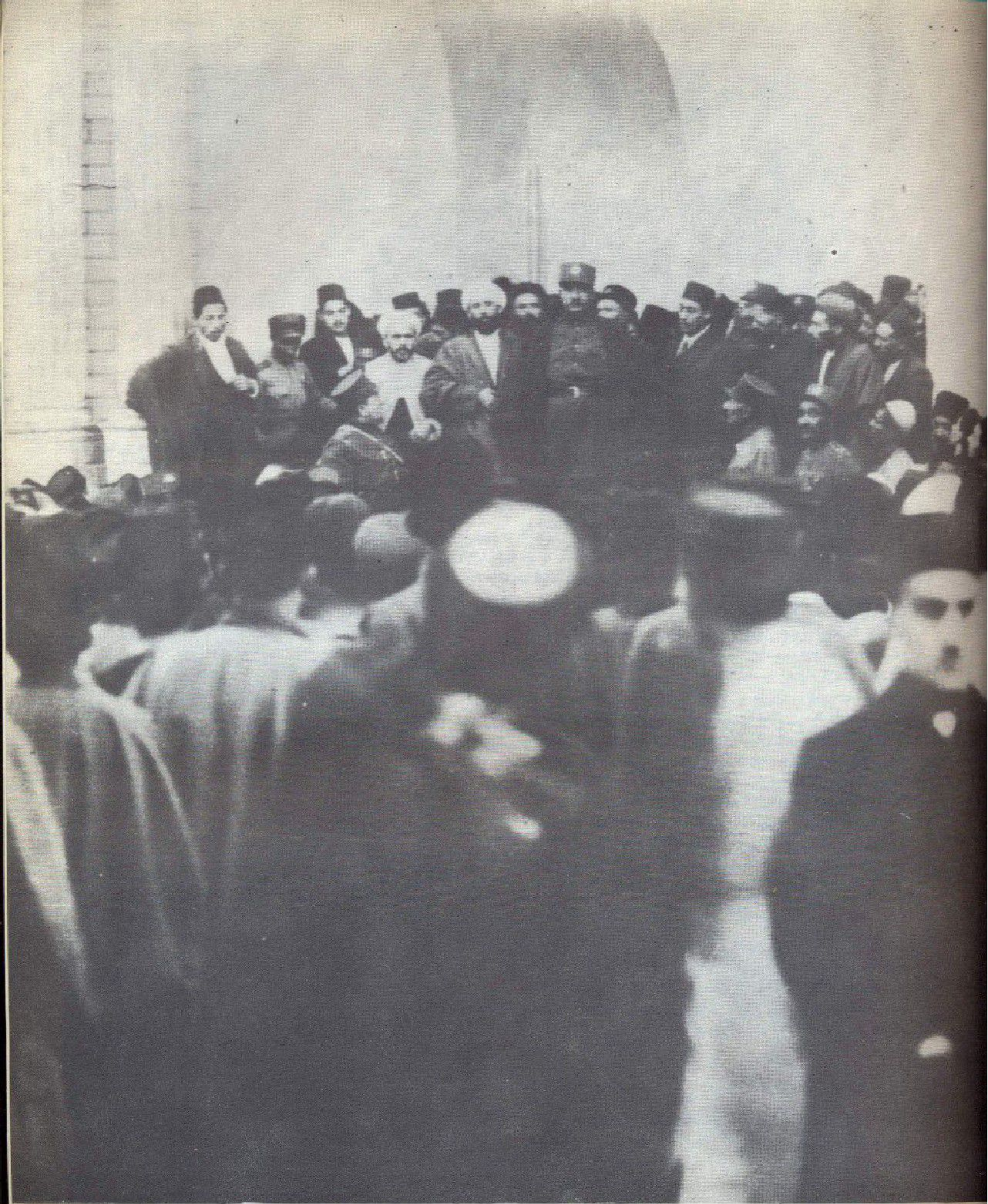
ورود در این مرحله و انجام این مقصود مهم زیاده از یک سال است که خاطرمان را بخود مشغول داشته و فوق العاده متأسفم که در مدت یکسال انعقاد مجلس شورای ملی و این فرصت طبیعی مجال آن پیدا نشد که کارکنان دولت و نمایندگان ملت با وحدت فکر تعاطی عقاید کرده قدمهای سریعی که لازم است برای وصول به مقصود بردارند و امیدوارم که در این موقع دولت بتواند با استفاده از وحدت نظر مجلس و کمکهای فکری نمایندگان محترم وارد در مراحل سمی و عمل گردد و بالاخره در خاتمه دادن باین فقره اقتصادی اوضاع صحی و نیز در بسط خطوط و تعمیم معارف و نشر آن مخصوصاً در بعضی از سرحدات کسب موفقیت نماید.

برای تثبیت این نظریه پیشنهاد خواهم کرد که از مجلس مقدس و اتفاق نمایندگان محترم یک کمیسیون دوازده نفری تشکیل گردد تا دولت نظریات و مطالعات خود را با امداد فکری کمیسیون



مزبور تقدیم مجلس شورای ملی نموده و در پیشرفت امور و حل قضایا موفقیت حاصل شود.

با این لحاظ امید کامل دارم که با خواست خداوند وقفه های —



گذشته در ظرف این يك سال كه باختتام دوره پنجم باقی مانده
جبران گردد و در تاریخ آینده مملكت علائم و آثاری از این دوره
بیادگار باقی بماند.

نهضت عمومی برای تقویض مقام سلطنت به اعلیحضرت پهلوی

سلطنت بجای جمهوریت

* از ابتدای این سال گفتگوهایی که پیرامون جمهوریت در میان احزاب و جمعیت‌های اصلاح طلب و طبقه‌ی روشنفکر جریان داشت فکر تغییر سلطنت را پدید آورد و از سراسر ایران تلگرامهایی به مجلس شورایی و دولت فرستاده شد.

تحصن در تلگرافخانه‌ها و مساجد و تکایا

* از بامداد روز پنجم آبان‌ماه ۱۳۰۴ در سراسر ایران ترقیخواهان به تلگرافخانه‌ها رفتند و تحصن اختیار کردند و کلاهی مجلس را بمرکز تلگرام تهران برای مخایره حضوری دعوت نمودند و مزید بر آن از روز پیشین جماعتی بسیار از طرف انجمن ایالتی آذربایجان به تهران آمده به خانه سردار پهلوی رفتند و خود را متحصن خواندند و اظهار داشتند تا تکلیف قطعی سلطنت تعیین نشود دست از اقدامات خود برنخواهند داشت.

قیام عمومی ..

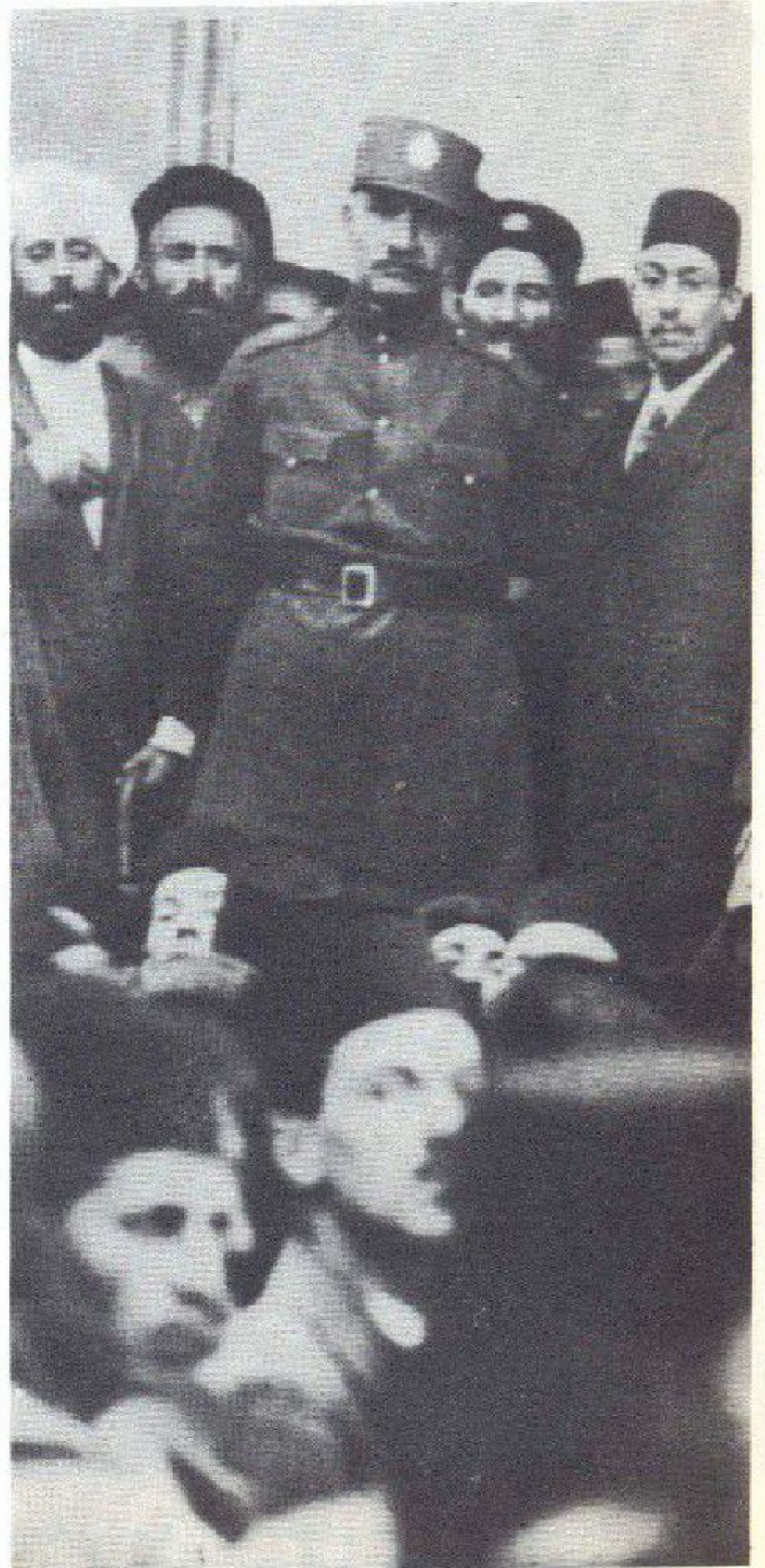
* روز بعد هیئت‌های اعزامی ایالات و ولایت ایران و نمایندگان طبقات مختلف مردم پایتخت پسوی مدرسه نظام که محوطه وسیعی در مقابل منزل سردار پهلوی بود روی آوردند و چادرها و خیمه‌ها را برپا داشتند و تحصن اختیار کردند، دسته‌ها و جمعیت‌هایی امثال کاهه - احرار - ملیون - جامعه‌ی انتقام ملی - کمیته ملی مختلط آذربایجان - کمیته‌های فارس - کرمان - مازندران - خوزستان - انجمن‌های ایالتی و ولایتی ایران - اقلیت‌های مذهبی - جمعیت نهضت ملی - روحانیون و نمایندگان همه طبقات روز پنجشنبه ششم و روز جمعه هفتم آبان اعلامیه‌هایی انتشار داده و تظاهراتی برپا داشتند که علاوه بر اجتماع در مدرسه نظام تمام مساجد و تکایا از مردم طبقات مختلف پر شده بود و سقوط قاجاریه را طلب میکردند و کلاهی مجلس را پی در پی دعوت مینمودند که هر چه زودتر تکلیف قطعی را معلوم کنند و برای اداره مملکت تصمیم قاطع اتخاذ نمایند.

اختیار بانجمن ایالتی آذربایجان

* روز هفتم آبان همه‌ی انجمن‌های ایالتی ایران طی قطعنامه‌ای بانجمن ایالتی آذربایجان اختیار دادند که رسماً وارد مذاکره شده جواب مثبت یا منفی نمایندگان مجلس را بگیرند و اعلام دارند، در مجلس شورای ملی هم فراکسیون اتفاق رسماً تذکریه‌ای باین شرح برای عموم نمایندگان فرستاد و در شهر انتشار داد.

تعطیل تهران

* روز هشتم آبان همه‌ی مؤسسات تهران تعطیل شد و اکثر مردم با اتفاق نمایندگان استانها و شهرستانها که بمرکز مملکت روی آورده بودند در خانه رئیس الوزرا گرد آمدند و جماعتی دیگر در مدرسه نظام یا در مجلس شورامتحصن شدند و بسیاری هم در میدان بهارستان بتظاهرات پرداختند که در نتیجه مجلس شورایی در جلسه روز نهم آبانماه تصمیم تاریخی خود را گرفت و رای بانقراض سلطنت قاجاریه داد.



انقراض سلطنت قاجاریه و تشکیل حکومت موقتی

جلسه تاریخی

* پس از رسمیت یافتن جلسه روز نهم آبان ماه مجلس شورای ملی طرحی بامضای هفتاد و هشت تن از نمایندگان با قید دوفوریت مطرح و مورد شور قرار گرفت .

طرح انقراض سلطنت قاجار

* « ساحت مقدس مجلس شورای ملی :

نظر باینکه عدم رضایت از سلطنت قاجاریه و شکایاتی که از این خانواده میشود بدرجه رسیده که مملکت را به مخاطره میکشاند و نظر باینکه حفظ مصالح عالی مملکت مهمترین منظور و اولین وظیفه مجلس شورای ملی است و باید هرچه زودتر به بحران فعلی خاتمه داد ما امضاء کنندگان با قید دوفوریت پیشنهاد میکنیم مجلس شورای ملی تصمیم ذیل را اتخاذ نماید .

(ماده واحده - مجلس شورای ملی بنام سعادت ملت انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام نموده و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکتی به شخص آقای رضاخان پهلوی واگذار میکند تعیین تکلیف قطعی حکومت موکول بنظر مجلس مؤسسان است که برای تغییر مواد ۳۶-۳۷-۳۸-۴۰ متمم قانون اساسی تشکیل میشود) «

تصمیم مجلس به تبعیت از افکار عمومی

* اجتماع و تظاهر مردم تهران و نمایندگان ایالات در محوطه مجلس شورای ملی و میدان بهارستان در روز نهم آبان ماه باوج شدت رسید و همه خواستار اعلام رای مجلس بودند . سرانجام مجلس شورای ملی پس از چهار ساعت بحث و مذاکره با اکثریت هشتاد و پنج رای ماده واحده پیشنهادی را دایر بانقراض سلطنت قاجار و تشکیل حکومت موقتی تصویب و بدولت ابلاغ نمود .



والا حضرت پهلوی رئیس حکومت موقتی

● از ساعتی که مجلس تصمیم تاریخی خود را گرفت تشنج فرو نشست، نمایندگان اکثریت در مجلس باقی ماندند و برای ابلاغ این تصمیم نظریات گوناگون اظهار داشتند. و سرانجام پس از چند ساعت بحث و گفتگو ماده واحده مصوبه مجلس را بصورت فرمان ملت تهیه نمودند و هیئت رئیسه مجلس مأمور تفویض آن به شخص والا حضرت پهلوی رئیس حکومت موقتی شد.

ساعت پنج بعد از ظهر هیئت رئیسه مجلس با اتفاق عدمای دیگر از نمایندگان به خانه والا حضرت رفتند و با عرض تبریک فرمان ملت را به سردار پهلوی تفویض کردند و بلافاصله پاسخ تلگرام های مردم سراسر مملکت از طرف مجلس و دولت با نتیجه تصمیم مجلس اعلام و این اعلامیه از طرف رئیس حکومت موقتی انتشار یافت که بوسیله وزارت امور خارجه نیز بنمایندگان کشورهای دوست ابلاغ گردید.

اعلامیه رئیس حکومت موقتی

* چنانکه عامه سابقه دارند از چندی باین طرف در تمام اطراف و اکناف مملکت در اظهار انزجار از سلطنت قاجار و انای آن نهضت عمومی ایجاد و احساسات ملی روز بروز شدیدتر شده و طوری غلیان یافت که در مرکز نیز هیجان فوق العاده برای نیل باین آمال ملی بروز کرد و دنباله آن بجائی رسید که اگر مورد توجه عاجل واقع نمیشد قطعاً بانقلاب عظیم و عواقب وخیم منتهی میگشت دولت به پاس احترام آزادی افکار عمومی و احساسات ملی در تمام این مدت بالمره رویه بیطرفی را اتخاذ نمود تا عامه اهالی و مجلس شورای ملی هر طریقه را که موافق صلاح ملت و مملکت میدانند اختیار نمایند. مجلس شورای ملی بنا بر موافقت با افکار عمومی متوجه لزوم خاتمه دادن به اوضاع و بحران مملکتی شده و پس از چندی مطالعه و مذاکره در جلسه شنبه نهم آبان ماه انقراض سلطنت قاجاریه را اعلان نموده و ریاست حکومت موقتی را به اینجانب واگذار کرد تا اینکه مجلس موسسان بغوریت تکلیف قطعی حکومت آتی مملکت را معین نماید این است که در تعقیب رای مجلس شورای ملی انقراض سلطنت را از آل قاجار و به دست گرفتن حکومت موقتی را بوسیله این اعلامیه رسماً اعلان میکنم امیدوارم که تمام علاقمندان به سعادت مملکت در حفظ مصالح عمومی بامن کمک نمایند.

رئیس حکومت موقتی مملکت و رئیس عالی کل قوا - رضا.

جشن و چراغانی

* متحصنین و عموم مردم بمدت سه روز جشن گرفتند و سراسر مملکت چراغانی شد، تلگرام ها و تبریکات از همه جاسوی تهران فرستاده شد و سخنرانیهای شورانگیز در احزاب و مجامع ایراد گردید.





رئیس حکومت موقتی در میان مردم

بیانات رئیس حکومت موقتی در مجلس شورای ملی

جشن مجلس

* مجلس شورای ملی در تاریخ دوازدهم آبان بافتخار ملت جشنی برپا نمود و والا حضرت پهلوی رئیس حکومت موقت به مجلس جشن که در سالن کتابخانه مجلس برپا شده بود آمدند و تمام سفرا و نمایندگان خارجی نیز حضور داشتند و رئیس مجلس نطقی باین شرح ایراد نمود.

بیانات رئیس مجلس شورا

* والا حضرت :

مجلس شورای ملی با بهترین شرف و شوقی که زینت این ایام سعادت فرجام و ساعات فرح بخش است مقدم همایون والا حضرت اقدس را استقبال و پذیرائی نموده بسی شادمان است که سعادت تاریخی و نیک بختی ابدی مملکت باستانی را در اثر افکار علاقمندانه بی آرایش اعضای خود بکف با کفایت آن والا حضرت تفویض و ترقیات آتیه وطن مقدس را در پرتو عظمت و فداکاریهای آن ذات خجسته صفات تامین کرده است.

والا حضرت مجلس شورای ملی کاملاً اطمینان دارد که ایام خفت بار گذشته در نتیجه عملیات قادرانه و مجاهدات بی پایان آن والا حضرت بروزگار درخشانی تبدیل گردیده و با کمال قوت قلب میتواند عموم ملت ایران را باز دیار سعادت و تعالی و ترقیات روز افزون مملکت وعده قطعی داده و با نهایت امیدواری حسن موفقیت و مزید توانائی و قدرت والا حضرت را از درگاه عظمت احدیت مسئلت مینماید.

سخنان والا حضرت پهلوی در

پاسخ رئیس مجلس شورای ملی

* در این هنگام حضار با احترام از جای برخاستند و والا حضرت پهلوی رئیس حکومت موقتی بیاناتی باین شرح ایراد نمودند :

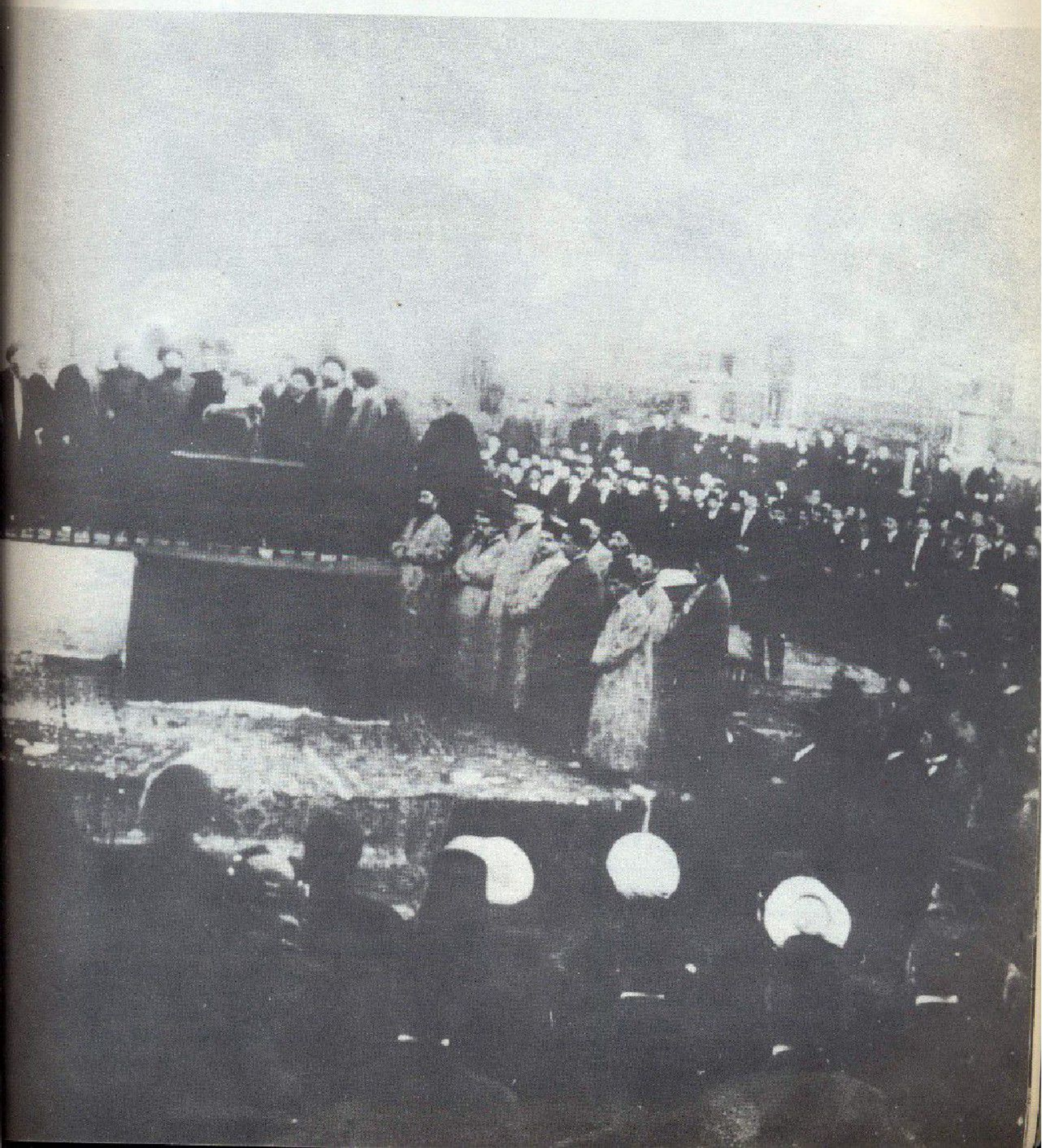
«از احساساتی که آقایان محترم در این موقع نسبت به من ابراز مینمایند ممنون و سپاسگزارم.

نیت ملت نجیب ایران و منتخبین آن همانا اعاده و استقرار سعادت و عظمت تاریخی وطن است اینجانب بحمدالله تعالی در این نیت مقدس کاملاً شریک بوده و هستم و عملیات من در گذشته شاهد این مدعا میباشد و امیدوارم در آینده نیز چنانکه منظور نظر است ظاهر شود.

گرچه تاکنون ترقیات عمده راجع بقوه و قدرت دولت حاصل شده ولیکن برخاطر من پوشیده نیست که هنوز در امور مملکت خاصه نسبت بمسائل اقتصادی و قضائی و معارفی اصلاحات عدیده ضرورت دارد رجاء واثق دارم که با احساسات سرشار و اشتیاقی که در عامه و خصوصاً در آقایان نمایندگان برای نیل باین مقاصد مشاهده میشود در فراهم ساختن موجبات آن در هر گونه مجاهدت و فداکاری مضایقه نشده و موفقیت کامل و عاجل حاصل گردد.

در خاتمه سعادت و عظمت وطن را از خداوند مسئلت مینمایم.»

افتتاح مجلس مؤسسان با بیانیات رئیس حکومت موقت



تشکیل مجلس مؤسسان

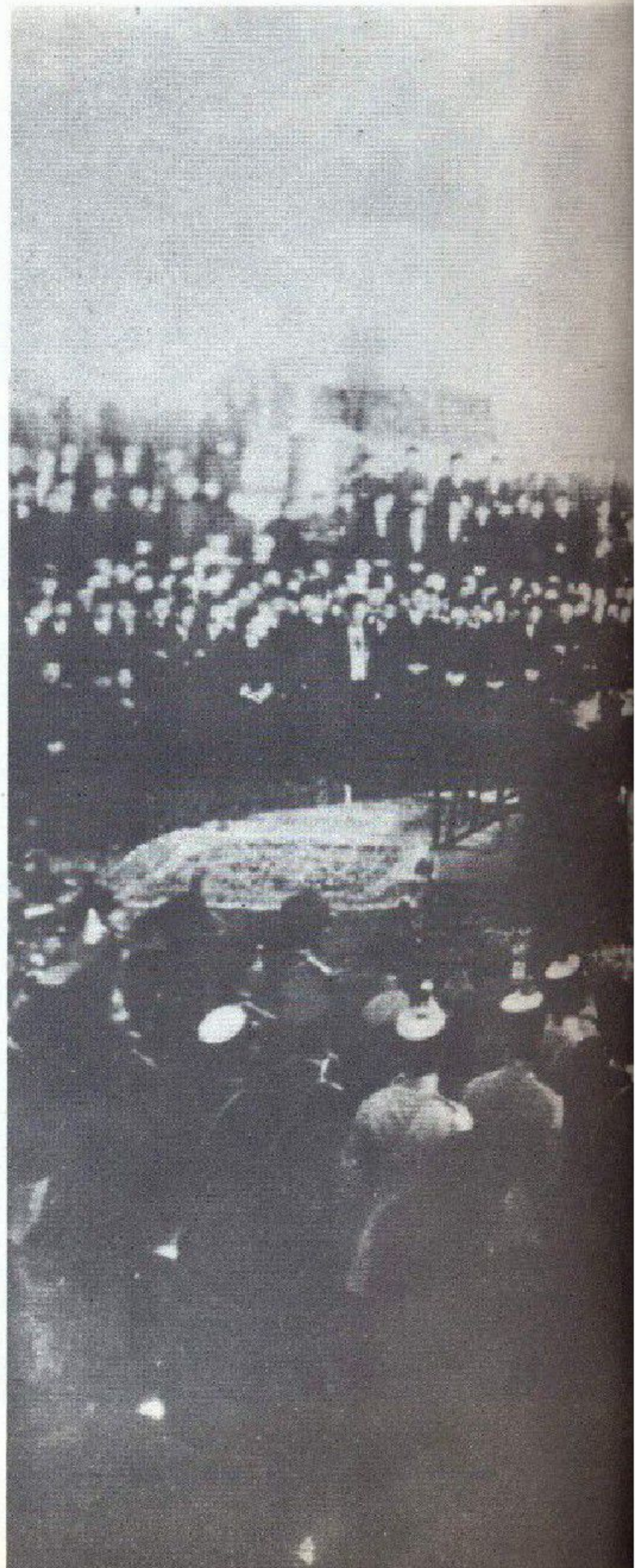
پس از تصمیم مجلس اعلان تشکیل مجلس مؤسسان داده شد و وکلا در تهران حضور یافتند و مجلس مؤسسان با نطق افتتاحیه رئیس حکومت موقتی آغاز بکار کرد و جلسات خود را در « محل تکیه دولت » واقع در انتهای باب همایون تشکیل دادند و در تاریخ بیست و یکم آذرماه ۱۳۰۴ رای مجلس صادر شد.

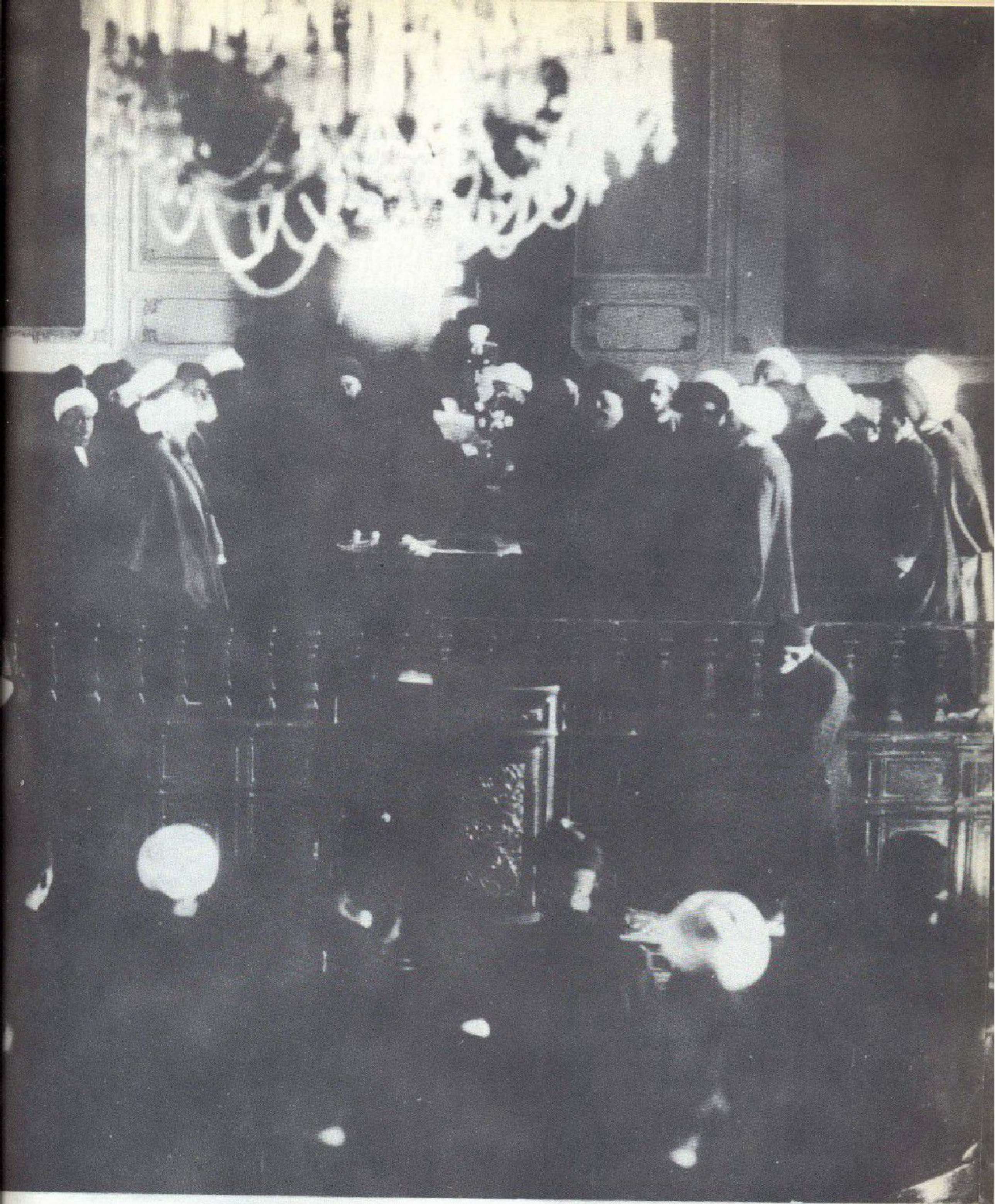


عبور رئیس حکومت موقتی از میدان حسن آباد برای افتتاح مجلس مؤسسان در تکیه دولت

بیانات رئیس حکومت موقتی

«بسمه تعالی . البته آقایان محترم از علل و پیش آمدهائی که باعث انعقاد مجلس مؤسسان گردیده است اطلاع کامل دارند و میدانند که مجلس شورای ملی که بموجب قانون اساسی نماینده قاطبه اهالی مملکت ایرانست بر حسب ضرورت و برای متابعت میل و افکار ملت که در تمام مملکت ابراز و اظهار شده بود برای نیل باستقرار حکومتی که مرام ملی را بهتر تأمین نماید سلطنت را از سلسله قاجاریه منتزع نموده ریاست حکومت مملکت را موقعتاً بهمه اینجانب محول ساخته و انعقاد مجلس مؤسسان را برای تعیین تکلیف قطعی امر لازم و مقتضی دانست این بود که اینجانب حسبالتکلیف و بنا بر تصمیم و تصویب مجلس شورای ملی ملت را به تعیین و انتخاب امنای خود بجهت این مقصود مهم دعوت کردم و ملت نیز شما را منتخب نمود، اینک بعون الله و توفیق اداى آن وظیفه را که معظمترین وظائف ملی و مملکتی است بر حسب رای ملت شما واگذار نموده و شما را دعوت میکنم که صلاح و خیر مملکت را در نظر گرفته و در هر حال خداوند را شاهد و ناظر اعمال خود دانسته و آنچه وجدان شما بر آن حکم می کند بموقع عمل بگذارید و چون در این امر خاص طول مدت بی تکلیفی برای مملکت ممکن است جلب مضرات و مفاسد نماید مقتضی است حتی الامکان در انجام وظیفه تسریع ننمایید، در خاتمه امیدوارم خداوند تبارک و تعالی شما را موفق و مؤید بدارد» .





اعلیحضرت رضاشاه پهلوی درمجلس شورای ملی مراسم سوگند بجاآوردند

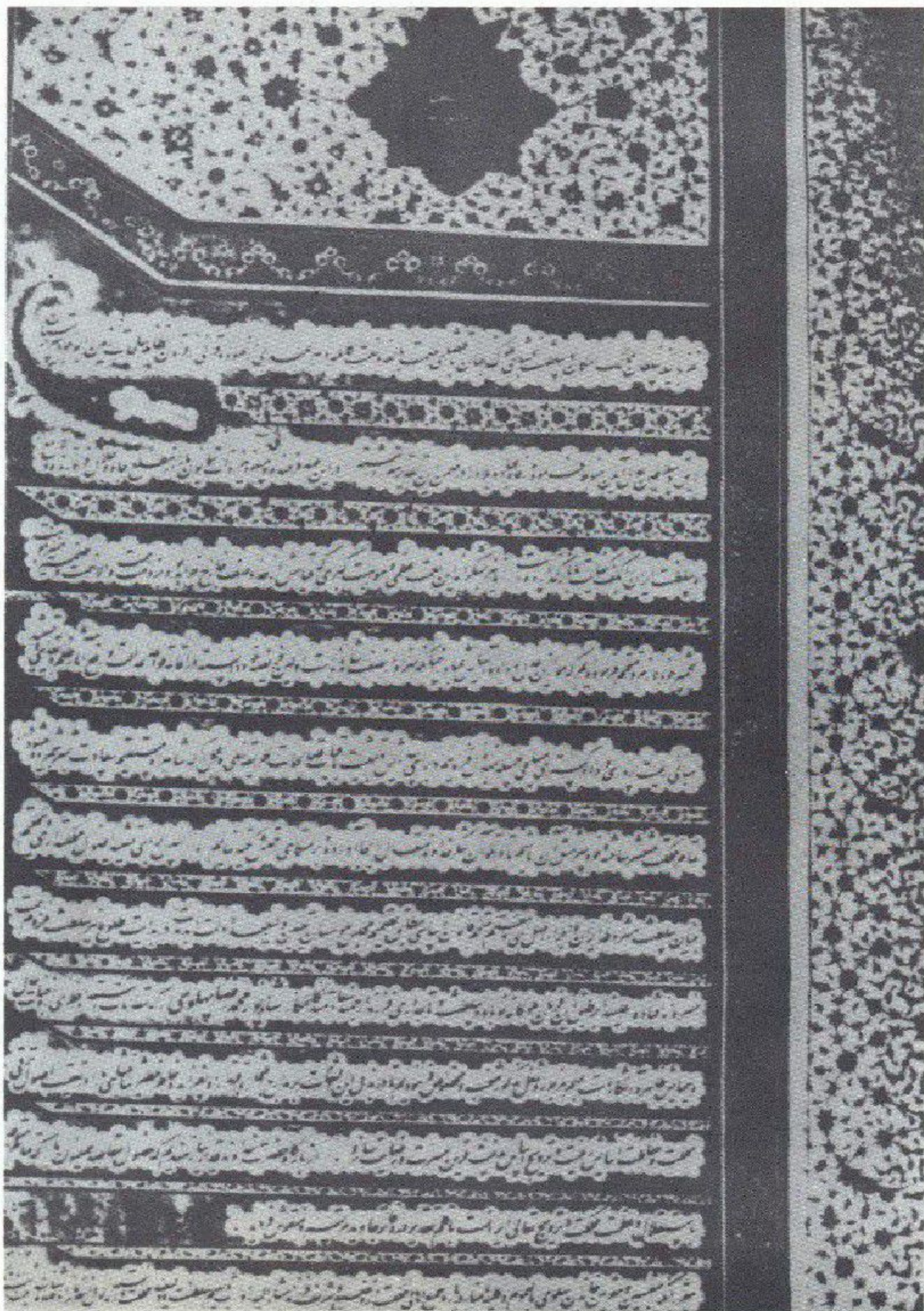
سلطنت پهلوی

رای مجلس مؤسسان و مراسم سوگند در پارلمان

* بنا بر رای مجلس مؤسسان در تاریخ بیست و یکم آذرماه ۱۳۰۴ خورشیدی طبق اصل سی و نهم قانون اساسی که میگوید سلطنت و دیماه ای است که از طرف ملت به شخص شاه تفویض میشود، دیماه ملت ایران باعلیحضرت شاهنشاه رضا شاه پهلوی تفویض گردید و در تاریخ بیست و چهارم آذرماه شاهنشاه پهلوی طبق برنامه رسمی به مجلس شورای ملی نزول اجلال نموده مراسم سوگند بعمل آوردند.



فرمان اعلیحضرت رضا شاه کبیر برای ولایتعهد



والا حضرت شاهپور محمد رضا پهلوی ولایتعهد (شاهنشاه آریامهر)

طبق اصول سی و هفتم متمم قانون اساسی فرمان ولایتعهد ایران از طرف سردودمان پهلوی اعلیحضرت رضاشاه کبیر در تاریخ هشتم بهمن ماه سال ۱۳۰۴ بنام والا حضرت شاهپور محمد رضا پهلوی صادر و طی تشریفات خاص بدین شرح ابلاغ و اعلام گردید.

* ساعت ده و نیم روز هشتم بهمن ماه مدعوین که عبارت بودند از علماء . وکلای مجلس . امرای ارتش . رؤسای ادارات در تالار موزه کاخ گلستان به ترتیب ایستادند.

ساعت ده والا حضرت از تالار عاج با تشریفات و حضور آجودان های لشکری و کشوری به تالار موزه تشریف فرما شده و در مقابل تخت طاوس قرار گرفتند.

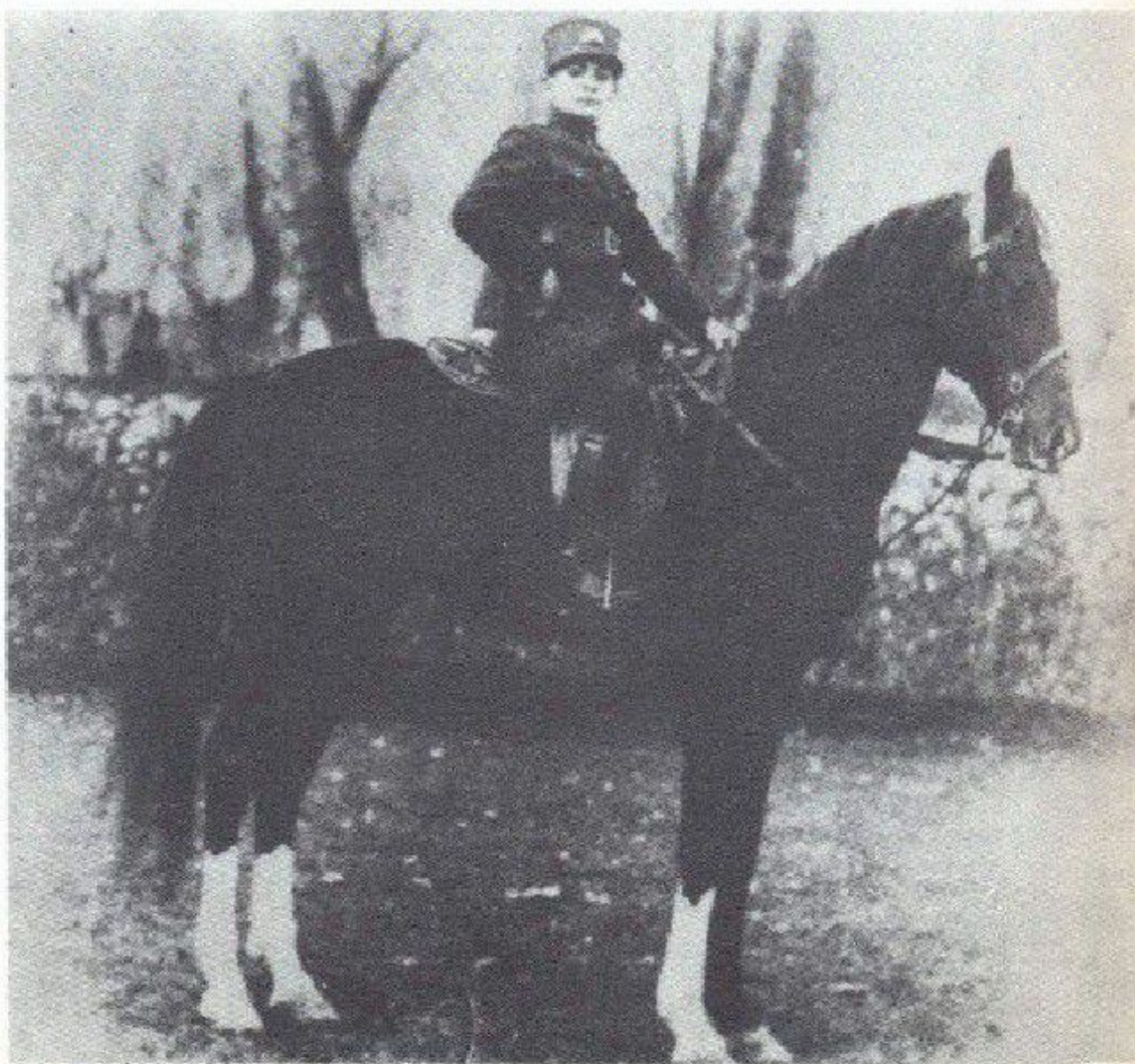
در این هنگام هیئت وزیران و وزیر دربار پهلوی که حامل فرمان ولایتعهد بودند به تالار موزه وارد شدند و موزیک آهنگ سلام نواخت.

والا حضرت ولایتعهد تا مدخل تالار فرمان همایونی را استقبال و پس از بوسیدن فرمان به کنار تخت بازگشتند .

سپس رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی فرمان همایونی را قرائت و به رئیس دولت تسلیم داشت و همین هنگام هفت تیرتوپ شلیک شد.

پس از انجام مراسم و صرف شیرینی در تالار سردر موزه به تالار عاج بازگشتند و از طرف هیئت دولت مراسم پذیرائی و عرض تبریک بعمل آمد .

ساعت دوازده والا حضرت از تالار عاج به تالار برلیان عزیمت نموده و به حضور اعلیحضرت رضاشاه پهلوی تشریف حاصل کردند .



جلوس رضا شاه پهلوی

بر تخت مرمر درختین روز سلطنت،

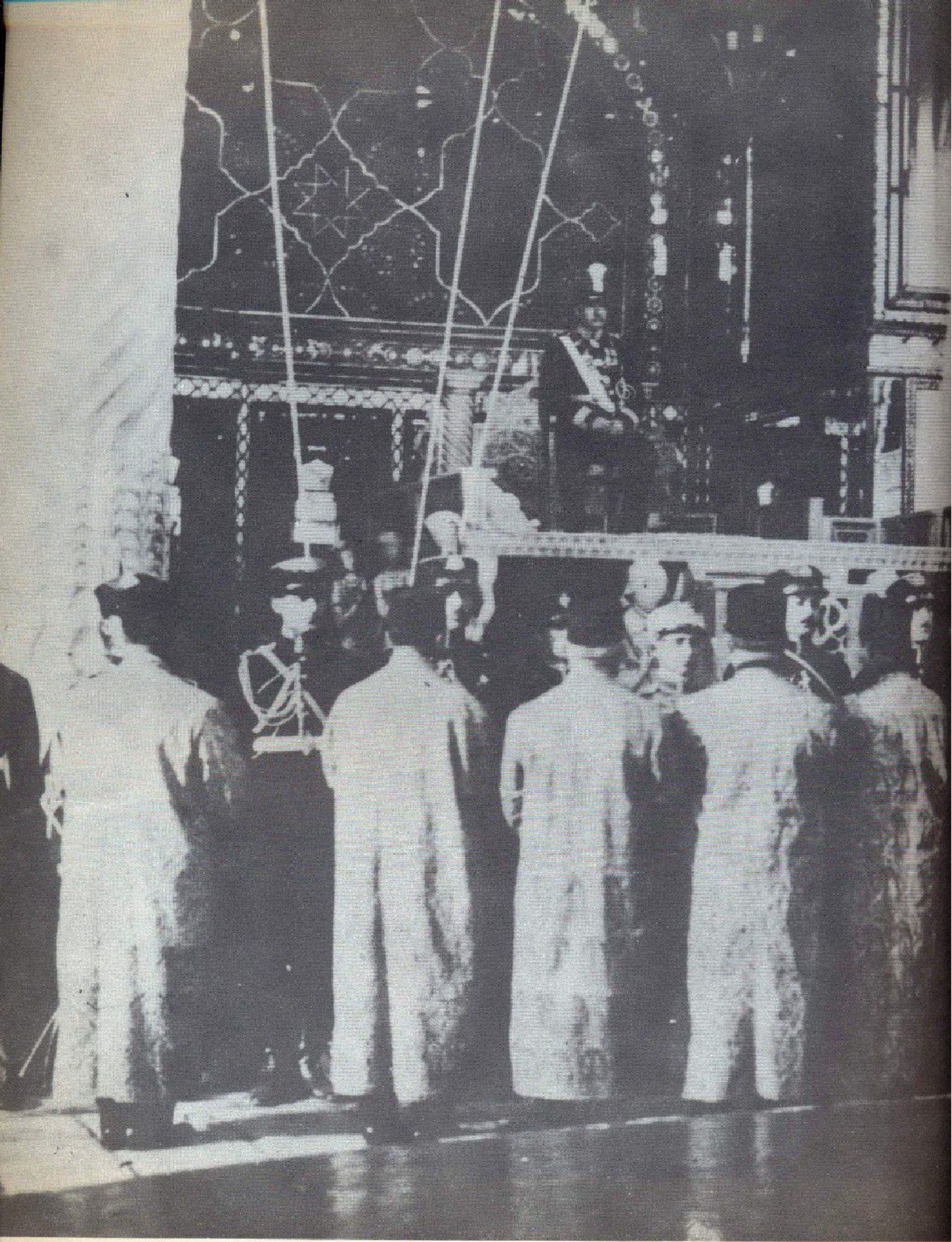
والا حضرت ولایتهد (شاه شاه آریامهر) در کنار تخت شاهنشاهی

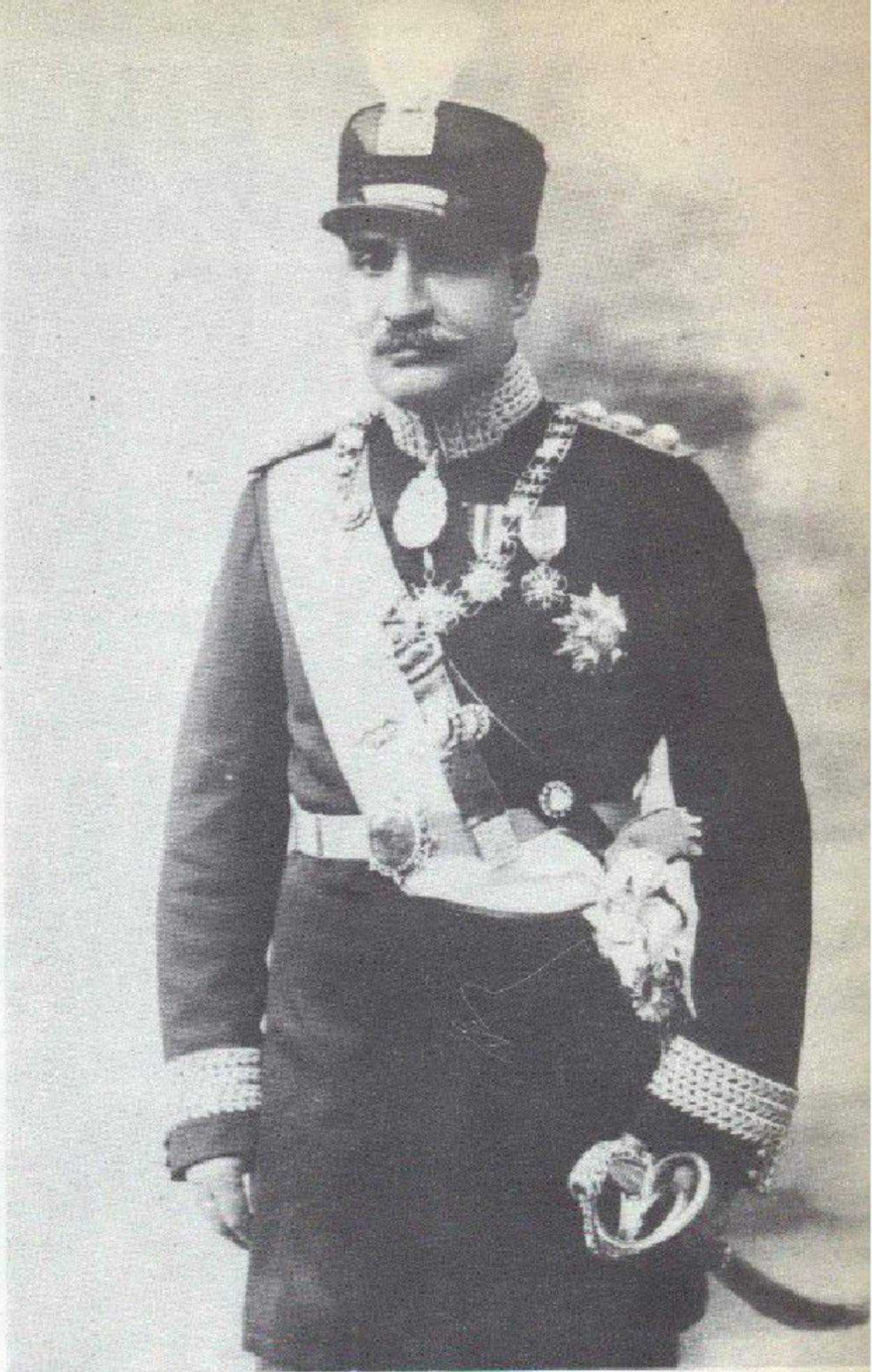
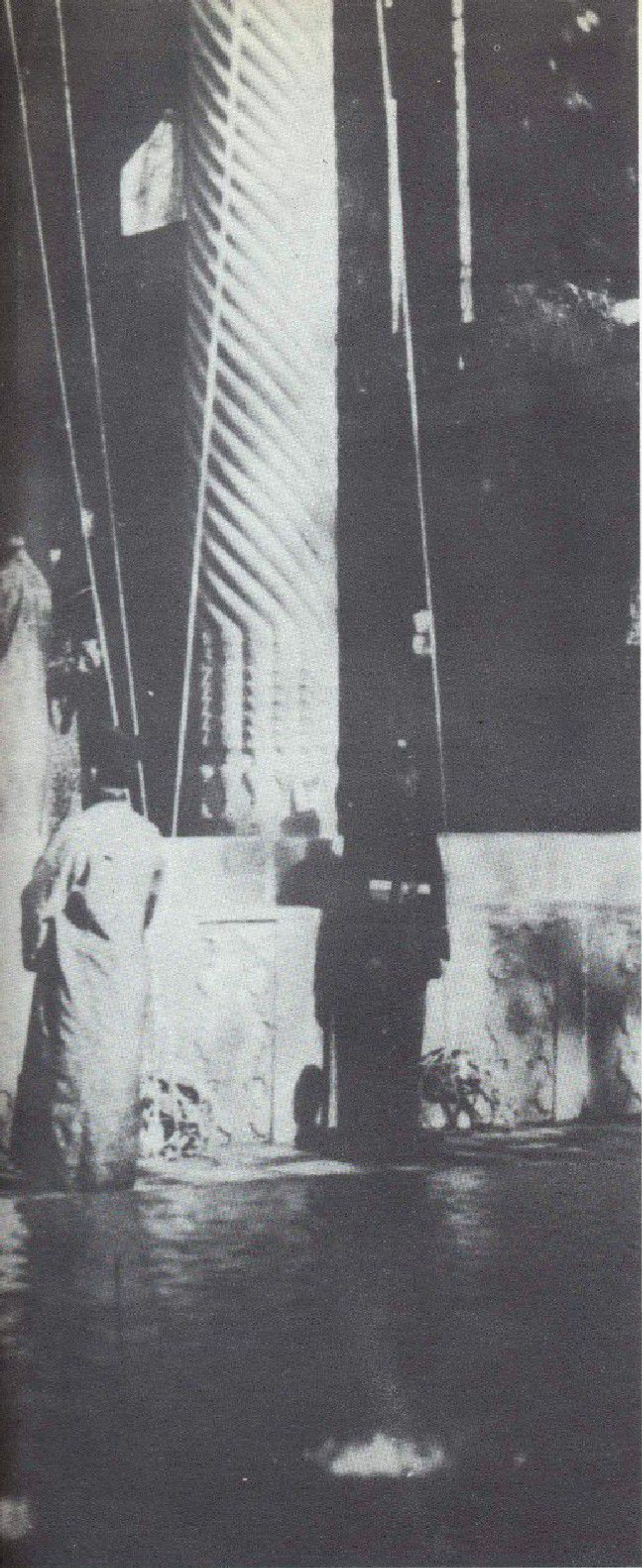
* روز چهارشنبه بیست و پنجم آذرماه ۱۳۰۳ شاهنشاه رضاشاه پهلوی برای سلام رسمی بر تخت مرمر کاخ گلستان جلوس کردند و هنگامی که نمایندگان تمام طبقات مملکت و نمایندگان و سفرای خارجی حضور داشتند این خطابه را ایراد نمودند.
«در این موقع که بحول و قوه الهی بر تخت سلطنت ایران که از طرف ملت بمن تفویض شده است جلوس میکنم لازم میدانم که اراده خود را به همه اعلام نمایم که بدانند تمام مجاهدات و کوشش من در آتیه مثل گذشته معطوف سیردادن وطن عزیز بطرف ترقی و تعالی خواهد بود و امیدوارم که خداوند در این نیت من را موفق بدارد.»

تبریک مقدم السفرا

* مقدم السفرا از طرف نمایندگان دولی که در تهران نمایندگی و روابط سیاسی داشتند تبریک گفت و نطق ذیل را ایراد نمود.

«در این موقع مسرت بخش مهم بالانهایه خوشوقت و مفتخر است که مترجم تبریکات قلبیه مودت آمیزی که هیئت نمایندگان سیاسی مجتمع در این نقطه مایلند تقدیم حضور مقدس اعلیحضرت همایونی نمایند گردیده جلوس میمنت ما نوس اعلیحضرت اقدس شهرباری به تخت سلطنت سه هزار ساله ایران که در نتیجه تظاهر اراده ملت بوسیله آراء نمایندگان وی در مجلس موسسان صورت گرفت مرحله مهمی در تاریخ باستانی و معنویت آمیز ملت نجیبی میباشد که مزایای اخلاقی و صفات جهان نوازی وی معروف خاطر همگی است این مرحله مهم صفحه جدیدی در تاریخ ایران باز کرده و حاکی از طلوع عصر نوین مشعشعی در حیات مملکت باستانی و برای ملت آن میباشد اینک مشاهده مینمائیم که در نتیجه قبول زمام مهام حکومت و تقبل بار سنگین مسئولیت از طرف اعلیحضرت اقدس شهرباری تمایلات شدیدی برای احراز آتیه درخشان و آنچه که موجب ترقی و سعادت ملی است ابراز میدارد با نهایت افتخار از طرف نمایندگان محترمی که در اینجا شرف حضور دارند و همچنین شخصاً آرزو مینمائیم که آن اعلیحضرت اقدس شهرباری سالیان دراز برای انجام وظیفه مهمی که عهده دار شده اند و برای حفظ نیکنامی و حیثیت مملکت و تأمین سعادت ایران و تهیه موجبات رفاه و ترقی ملتی که آن اعلیحضرت اقدس را بسمت سلطنت برگزیده است براریکه سلطنت مستقر بوده و یک دوره طولانی با شکوه و عظمت و خیریت اثر برای آن اعلیحضرت مسئلت مینمائیم و امیدواریم که مجاهدات دائمی اعلیحضرت شهرباری برای اصلاح حال ملت ایران بوسیله قبردانی و محبت ابدی هر یک از افراد ما جور گردد امید است همواره آن اعلیحضرت به توفیقات ربانی مویده و مستظهر باشند.»





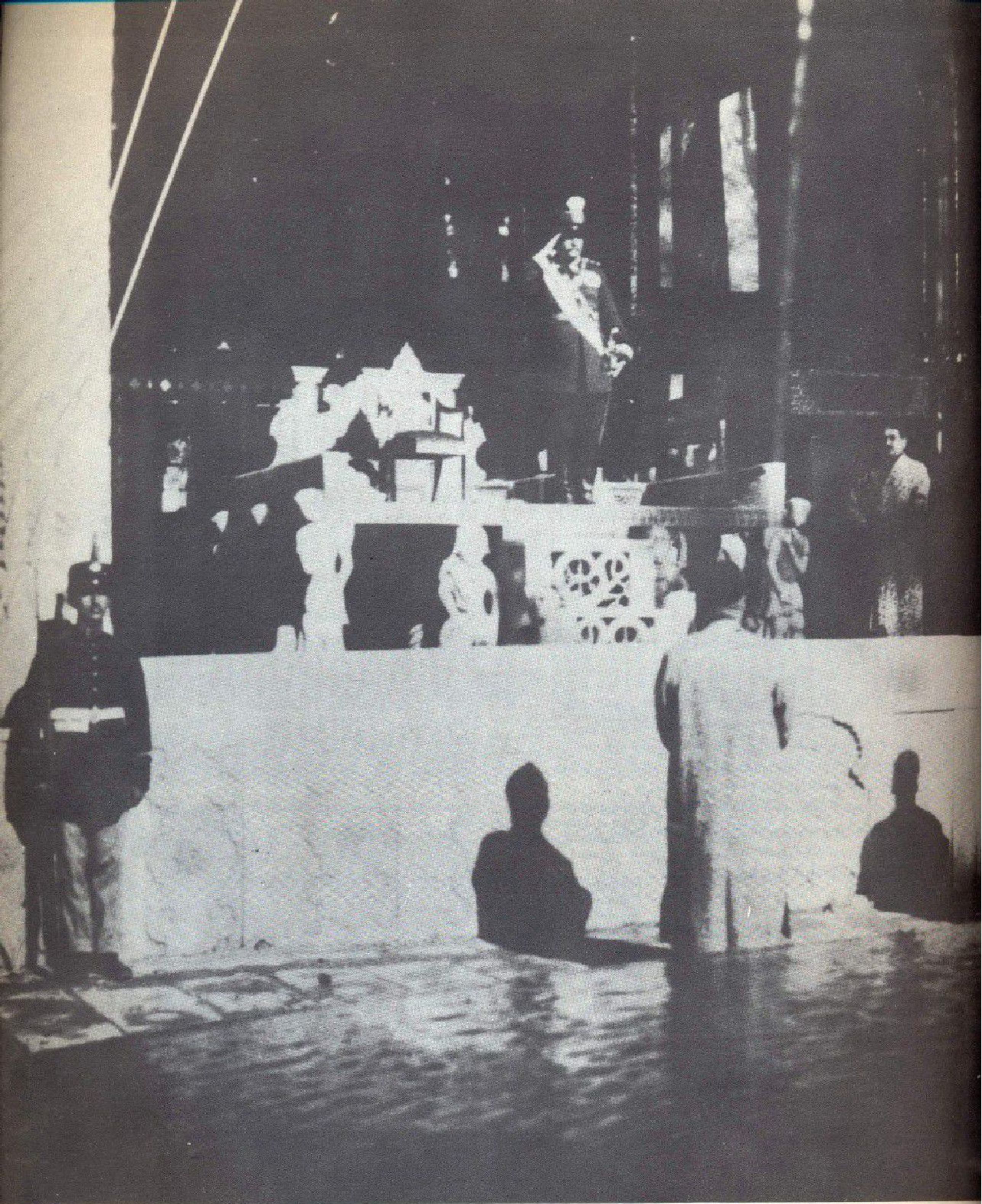
جواهر درخشان ایران «دریای نور» بر نیمتاج اعلیحضرت رضاشاه پهلوی

پاسخ شاهنشاه

آقای وزیرمختار بیانات فصیحی که بمناسبت جلوس مابه تخت سلطنت ازطرف خود وبنام هیئت نمایندگان سیاسی ایراد نمودید موجب نهایت مسرت گردید و خوشوقتم در این روزناریخی که ملت ایران بساط جشن وشادی گسترده است هیئت نمایندگان سیاسی خاطر همایون ما را از ملاقات خود قرین مسرت ساخته اند بطوریکه اظهار داشتید اطمینان داریم آرزوی ملت ایران که بوسیله آراء مجلس مؤسسات صورت خارجی پیدا کرد حاکی از طلوع عصر جدیدی در مملکت ما میباشد و برای این مقصود بار سنگین مسئولیت و مقدرات مملکت را در دست گرفتیم که اصلاحات لازمه را که ایران نهایت احتیاج را بآنها دارد در مملکت خود بنمائیم و یقین کامل داریم که دول معظمه متحابه در انجام این وظیفه مشکل باما معاضدت خواهند نمود در این موقع اطمینان میدهم که نهایت اشتیاق را به حفظ استقرار روابط و مناسبات حسنه با کلیه ممالک و مخصوصاً با ممالکی که نمایندگان محترم آنها در اینجا حاضرند داریم از خداوند متعال مسئلت مینمائیم که ما را در انجام وظیفه مهمی که عهده دار شده ایم مؤید و منصور دارد .

تبریک سران دول

* مجدداً بمنعت سه روز در سراسر کشور جشن و چراغانی برپا گردید و از طرف سران دول دوست برای سلطنت شاهنشاه پهلوی تبریک گفته شد .



پایان مراسم نخستین روز سلطنت در کاخ گلستان

چند برگ از کارنامه سالهای نخستین سلطنت

تشکیل اولین دولت

* بنا بر فرمان همایونی اولین دولت در سلطنت اعلیحضرت پهلوی بریاست فروغی «ذکاءالملک» که در حکومت موقتی کفالت ریاست وزراء را داشت تشکیل شد و پس از معرفی کابینه به شاهنشاه به مجلس نیز معرفی گردید .
در این هنگام سازمان وزارت دربار پهلوی نیز داده شد.

انتخابات دوره ششم مجلس

* مجلس دوره پنجم در بیست و دوم بهمن ماه ۱۳۰۴ خاتمه یافت و فرمان انتخابات دوره ششم صادر و بلافاصله بموقع اجرا گذارده شد.

انحصار قند و چای برای ساختن راه آهن

از آنجا که برای ساختن راه آهن پول لازم بود ناچار قند و چای بانهصار دولت درآمد و بنیاد راه آهن با این درآمد ریخته شد و این اولین گام برای تأمین بودجه راه آهن بود.
این حقیقت را شاهنشاه آریامهر در کتاب مأموریت برای وطنم بسیار کوتاه و پرمعنا تشریح فرموده اند که در اینجا نقل میشود: «... هزینه خط اصلی که ۹۰۰ میل طول آن است بوسیله عوائدی که از قند و شکر و چای دریافت میشد تأمین گردید. این مالیات بیشتر بر طبقه دهقان و کشاورز که قسمت عمده درآمد نقدی خود را بمصرف قند و چای میرسانند تحمیل میشد ولی پندم نسبت به قرضه خارجی بدگمان بود و صدقاتی را که اسلاف او از وام خارجی کشیده بودند از خاطرش نمیرفت...»

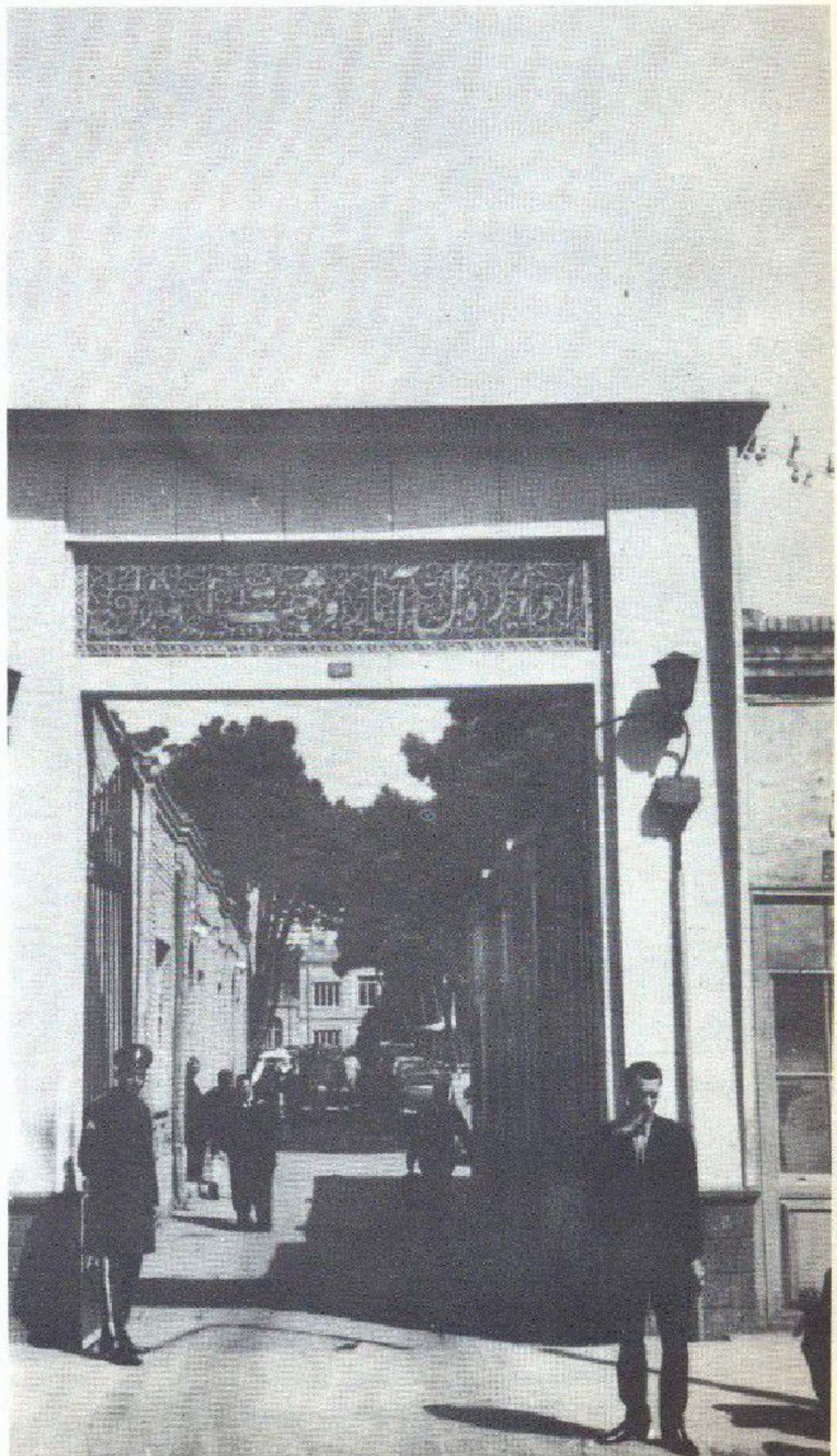
اسامی ماههای ایرانی

* اعلیحضرت رضا شاه پهلوی تعصب خاص به ملیت و آنچه مربوط بایرانی بود داشتند و از آنچه که جنبه بیگانگی داشت روگردان بودند و از این رو در سالهای نخست سلطنت خود مقرر داشتند که نام ماههای ایرانی رسماً اعلام و از بکار بردن نام ماههای عربی

و ترکی و یونانی خودداری بشود . نام ماههایی که امروز در ایران مرسوم است از آغاز سلطنت پهلوی بکار برده شد.

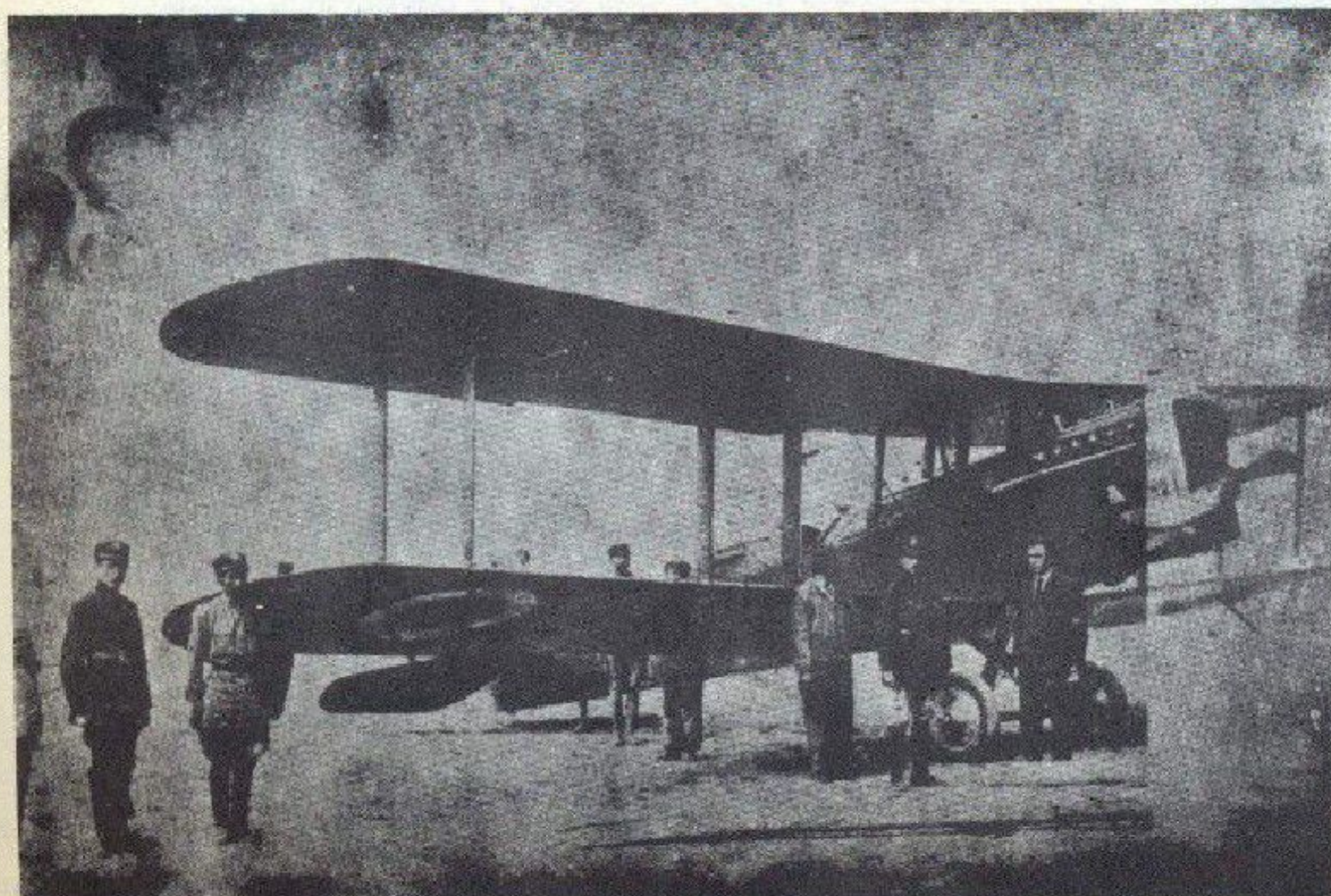
اداره سجل احوال مملکتی

پیش از عصر پهلوی مرسوم نبود که عموم طبقات مردم نام و نام فامیل خود و روز ولادتشان را در یک اداره رسمی دولتی ثبت کنند و همه برگ شناسائی داشته باشند. تنها طبقه اعیان بودند که بآ دادن پیشکش طی فرمانی لقب میگرفتند .
ولی در این سال اداره سجل احوال که بعداً احصائیه و ثبت احوال و امروز بنام اداره آمار عمومی معروف است تأسیس گردید و همه مردم موظف شدند که ثبت نام کنند و دارای شناسنامه باشند.





از عصر هخامنشیان تا پایان ساسانیان درجه سرهنگی از بزرگترین درجات ارتش و خاص «بزرگدارکشان» بوده و از این رو شاهنشاه که فرماندهی کل قوا را داشته دارای درجه سرهنگی بوده است و این سنت تا عصر پهلوی بجای مانده، چنانکه در این عکس بردوش اعلیحضرت رضا شاه کبیر که ملبس به لباس رسمی بوده اند درجه سرهنگی مشاهده میشود.

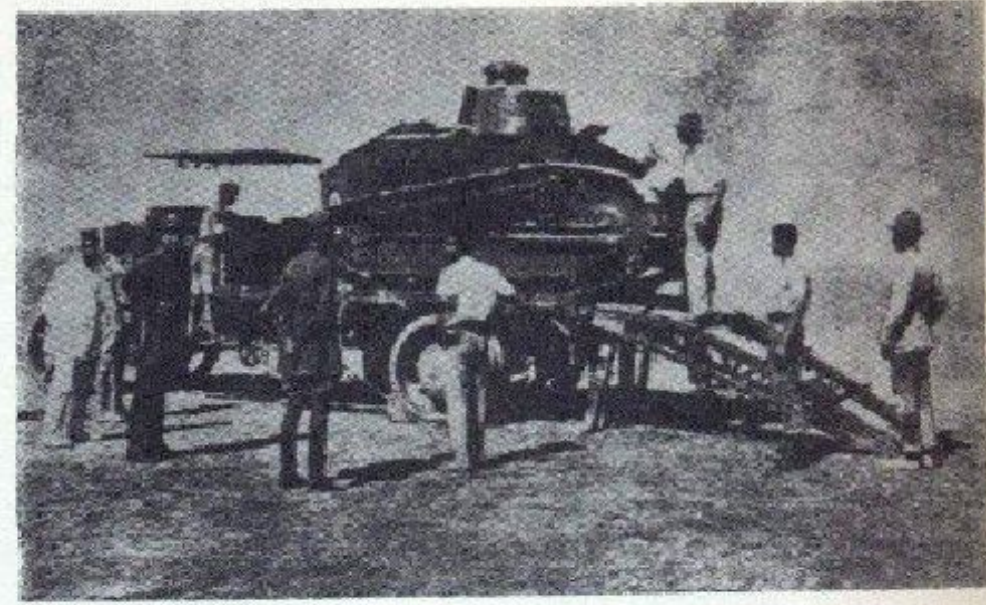


ساز و برگ‌های نو

در نیمه دوم سال ۱۳۰۴ ساز و برگ‌های نوین ارتش که از اروپا خریداری شده بود پی در پی بمرکز رسید که از جمله چند فروند هواپیما و چند فروند کشتی و نیز مقادیری عرابه جنگی و اتومبیل‌های خاص ارتش بود.

یکی از اتومبیل‌هایی که در آغاز سلطنت
برای ارتش ایران خریداری شد

عزابه جنتی



برای حشمتی، فامیل زند از شیراز به تهران آمدند و در کاخ گلستان شمشیر کریم خان زند را به اعلیحضرت رضاشاه پهلوی دادند





استخوانهای نادرشاه و پادشاه زند را در حضور اعلیحضرت پهلوی از زیر پله های کاخ گلستان در آوردند

* اینک چند جمله از آن عریضه در اینجا یاد میشود :
« ... نشانه شادمانی و فرح بی نظیر ، بملايَمْت اهتزاز و بال افشانی ارواح شهدای نامجو و نامدار زند اینک این شمشیر و این بهترین یادگارهای شهادت و جهانداری است که تقدیم حضور اعلیحضرت اقدس شهرباری میشود . این شمشیر معروف کریمخان وکیل‌الرعا یا است و بر روی این قبضه شفاف قطرات زیادی از شبنم‌های حوادث تاریخی ریخته و بالاخره این شمشیر نشانه و یادگار خاطرات بسیار حشمت‌انگیزی است که همیشه حمایل پادشاه توانا و مهربانی بوده است »

دست‌نامحرم بقبضه این ودیعه شهادت تاریخی ایران‌نرسیده است دودمان زند بافتخار و مسرت بی‌پایان امروز این ارقیة اجدادی خود را تقدیم پادشاهی میکند که فقط او از امروز مظهر مفاخر نیاکان ما میباشد و استدعا دارند همان‌طور که از آغاز جهانداری نسبت به قبور شهدای قبیله زند ابراز عاطفه فرموده و افراد پیریشان و سبع خورده ما را پدرا نه نوازش فرمودند از قبول این هدیه بی‌مراتب افتخارات این بندگان بیفزایند... »

در طول مدت یکصد و پنجاه و یکسال که قاجارها بر ایران سلطنت میکردند سرکریمخان زند و استخوانهای نادرشاه هر روز لگدکوب آنها بود .

اولین اقدام تاریخی رضاشاه پهلوی

اعلیحضرت رضاشاه پهلوی در نخستین سال شاهنشاهی این لکه ننگ را از صفحه‌ی تاریخ ایران زدود و فرمان داد که در حضورش پله‌های مدخل قصر گلستان را فرو ریختند و سر بریده کریمخان زند و استخوانهای نادرشاه را از دل خاک درآورده و با تشریفات خاص در زاویه مقدسه بخاک سپردند .

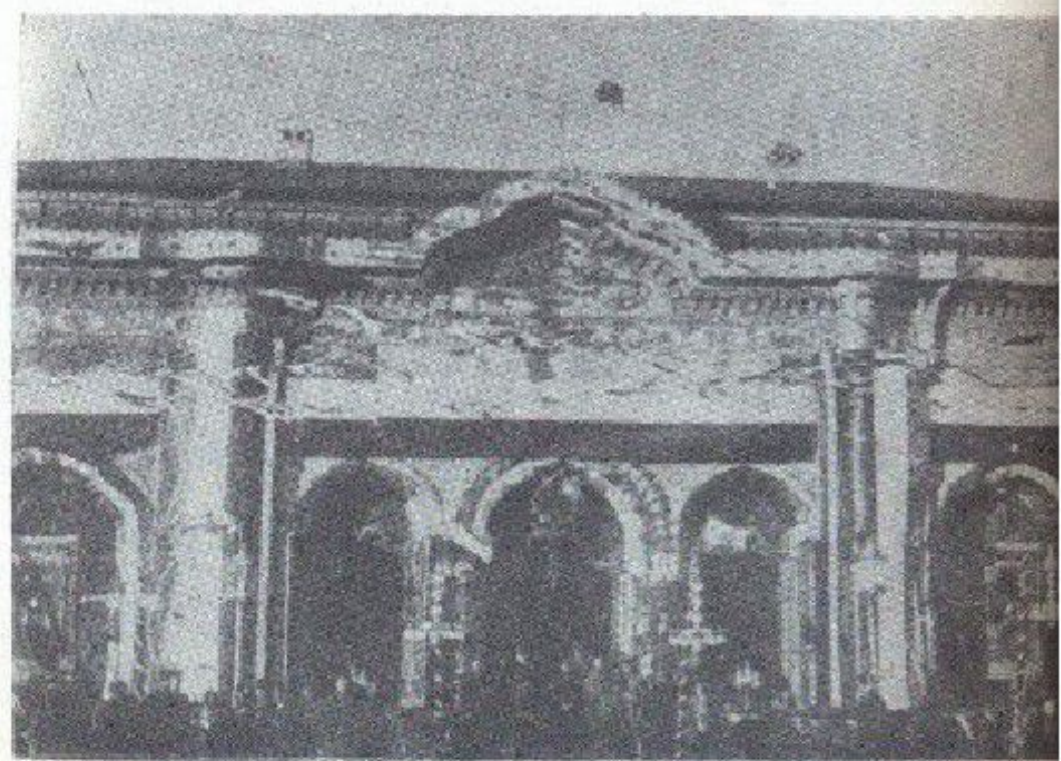
شمشیر کریمخان زند

* همان روز پازماندگان کریمخان زند از شیراز به طهران آمدند و هنگام پیرون آوردن سرکریمخان از خاک ، شمشیر کریمخان زند را که در شیراز مانده بود طی عریضه‌ای طولانی با عرض سپاسگزاری به اعلیحضرت رضاشاه پهلوی تقدیم داشتند .



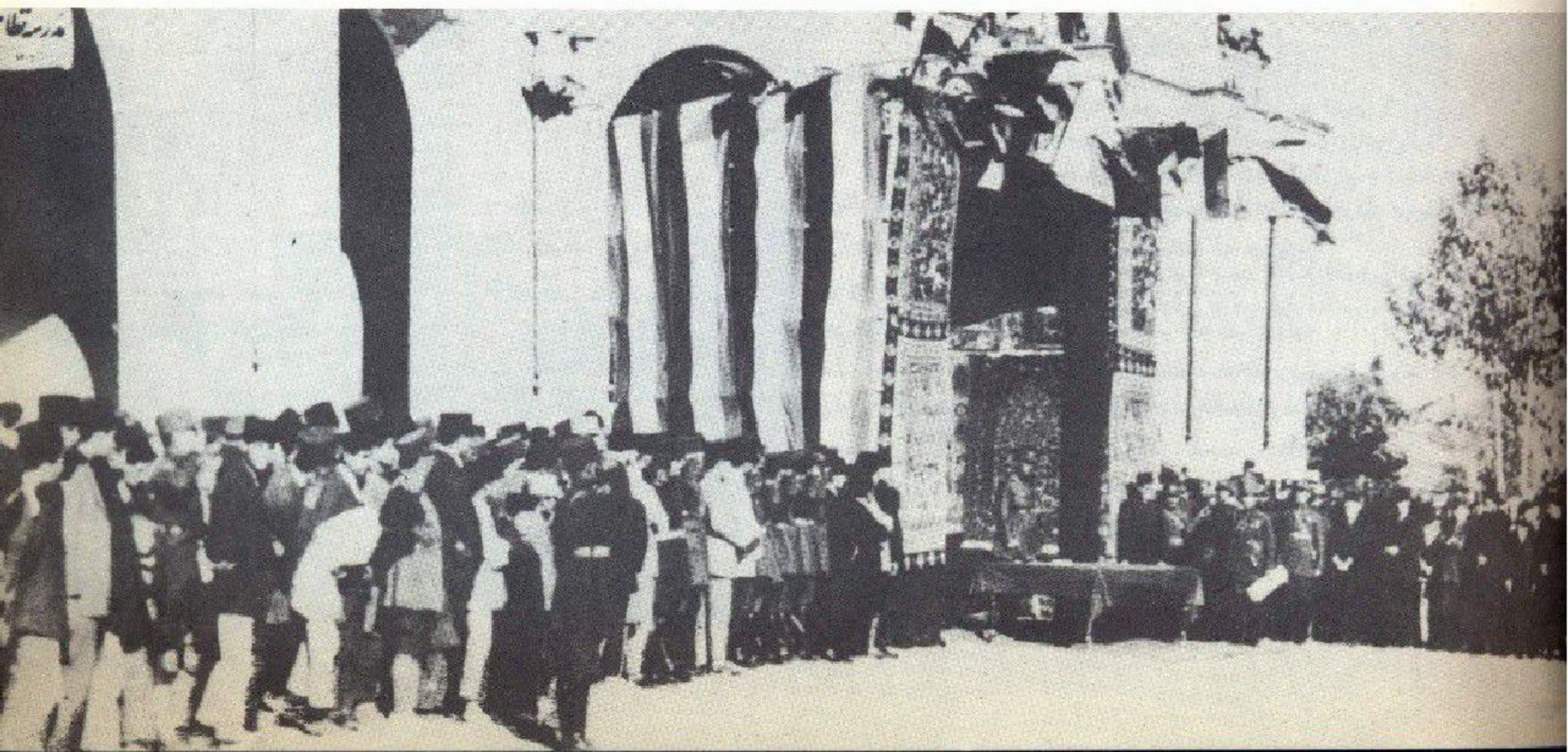
نخستین بانک ایرانی در عصر پهلوی

* در این سال « بانک پهلوی قشون » تاسیس شد و این اولین بانک ایرانی الاصل بود که با سرمایه ایرانی در این عصر تاسیس شد و چون منظور از ایجاد این بانک تمرکز پولی ارتش و موسسه‌ای برای رفع حوائج نیروهای شاهنشاهی بود ابتدا « بانک پهلوی » و سپس برای همیشه « بانک سپه » نامیده شد که امروز دامنه فعالیتش بسیار گسترش یافته و یکی از بانک های معروف خاورمیانه است .



داروخانه سپه کنار بانک سپه گشایش یافت

جشن سالانه مدارس نظام



بی سیم پهلوی

* از جمله مهمات و لوازمی که در سال ۱۳۰۳ با مر سردار ایران خریداری شده بود هشت دستگاه تلگراف بی سیم بود که روز سوم فروردین سال ۱۳۰۴ نصب شد ، در این روز شرحی که اعلیحضرت رضا شاه پهلوی از اقدامات خود نوشته بودند در يك جعبه ی سیمانی قرار دادند و در پی آن بنا نهادند . سپس ساختمان بی سیم آغاز گردید و در اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۵ تکمیل و از آن بهره برداری شد ، این بنا هنوز در راه مرکزی شهر تهران بشمیران با دکل های بلند آن بی چشم می خورد .

مقارن همین ایام دستور ساختمان وزارت پست و تلگراف در میدان سپه داده شد و اداره پست همدر ضلع جنوب شرقی میدان مشق سابق احداث گردید که تا امروز پای برجا است .

روز ششم اردی بهشت سال ۱۳۰۴ «دو روز پس از تاجگذاری» اعلیحضرت رضا شاه کبیر هنگام نصب دکل بی سیم پهلوی در زمین هایی که معروف به «قصر قاجار» بود تاریخچه موقیعت و حیات سیاسی و آرزوهای خود را برای ایران که در صفحه ای نوشته و در صندوقی سنگی گذارده بودند در زیر دکل نهادند و بخاک امانت دادند .

این محل امروز معروف به مرکز فرستنده امواج رادیو ایران است .

در کنار این مرکز فرستنده ی قدیمی سازمانهای جدید تلگرام و فرستنده های ایران احداث شده است .



سخنی کوتاه از پست و تلگراف

* طبق نوشته همه ی مور خان قدیم ، ایرانیان از نخستین مللی بودند که «پست» را بنیاد نهادند و آن را بصورت «چاپارخانه» در آوردند و با چارپایان میدان به میدان پست را به سائرا پها فرستادند و مکاتیب آن را «برید» یعنی بردنی نام دادند که تا امروز عرب آنرا «البرید» میخوانند .

* اما از ابتدای قرن نوزدهم که پست و تلگراف ایران بیچنگ بیگانگان افتاد خود داستانی دارد که در این مختصر نمیتوان از آن یاد کرد .

آفر و تشکیلات «پست خانه مبارکه» بصورتی بود که اگر «غلام پست» با محمولاتش گرفتار دزدان راه نمیشد شاید پس از ماه ها بمقصد میرسید .

* تلگراف هم از روز نخست در دست مؤسسه ی انگلیسی وابسته به مستعمره انگلیس در هند بود که تلگرام ها ابتدا به بندر بمبئی مخایره میشد و از آنجا آن را بدیگر کشورها تلگرام می نمودند . تلگرافهای داخلی نیز بعلت پوسیدگی سیم ها که هر روز قطع میشد از پست دیرتر میرسید .

